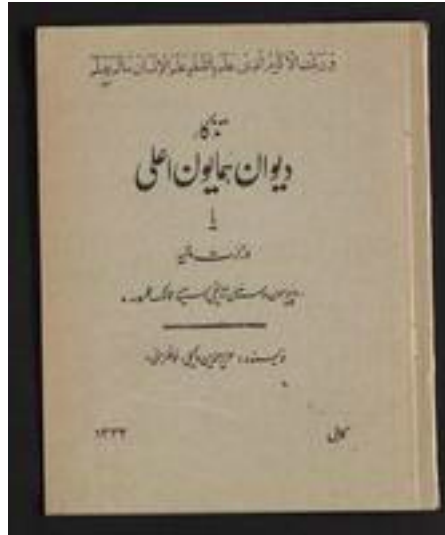


# [Afghanistan Digital Library](http://afghanistandl.nyu.edu/)

adl1191

<http://hdl.handle.net/2333.1/cc2fqzs3>



This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, [dlts@nyu.edu](mailto:dlts@nyu.edu)

وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ  
-الای-

تذکار  
دیوان ہمایون اعلیٰ  
یا

وزارت مالیہ

• دیرامون داستان تاریخی استیفاء ممالک محروسہ •

فولسنده : عزیزالدین وکیلی - فوٹوگرافی -

۱۳۳۴

کابل

افتشار اثر جدیدی را که حاوی داستان مختصر  
تاریخی استیفاء ممالك محروسه - و تذکار از  
جان نثارهای مردان نامی ادوار گذشته - و یاد  
کاری از انتصاب وزارت مالیه کشور عزیز  
افغانستان است در محضر مطالعه ذوق مند آن  
تاریخ عرفانی وطن تقدیم داشته و افتخار کار  
نامه های متصدیان دیوان اعلی مملکت را که  
تازه به طبع و نشر میرسد برآر بآب قلم و وارثان  
معنوی ایشان تبریک میگوئیم و بر ارواح پاک  
بزرگترین شخصیت های قلم و شمشیر تعجیب می  
فرستیم. عزیز الدین

ثبت است در سفینه دانشوران دهر  
از فیض رشحه های قلم ماجرای ما

تذکار

# دیوان همایون اعلی

یا

وزارت مالیه

«در پیرامون داستان تاریخی استیفاء ممالک محروسه»



نویسنده: عزیزالدین و کیلی «فولزائی»

تاریخ طبع  
برج اسد ۱۳۳۲ش

تعداد طبع  
۵۰۰ جلد

## یاد آوری

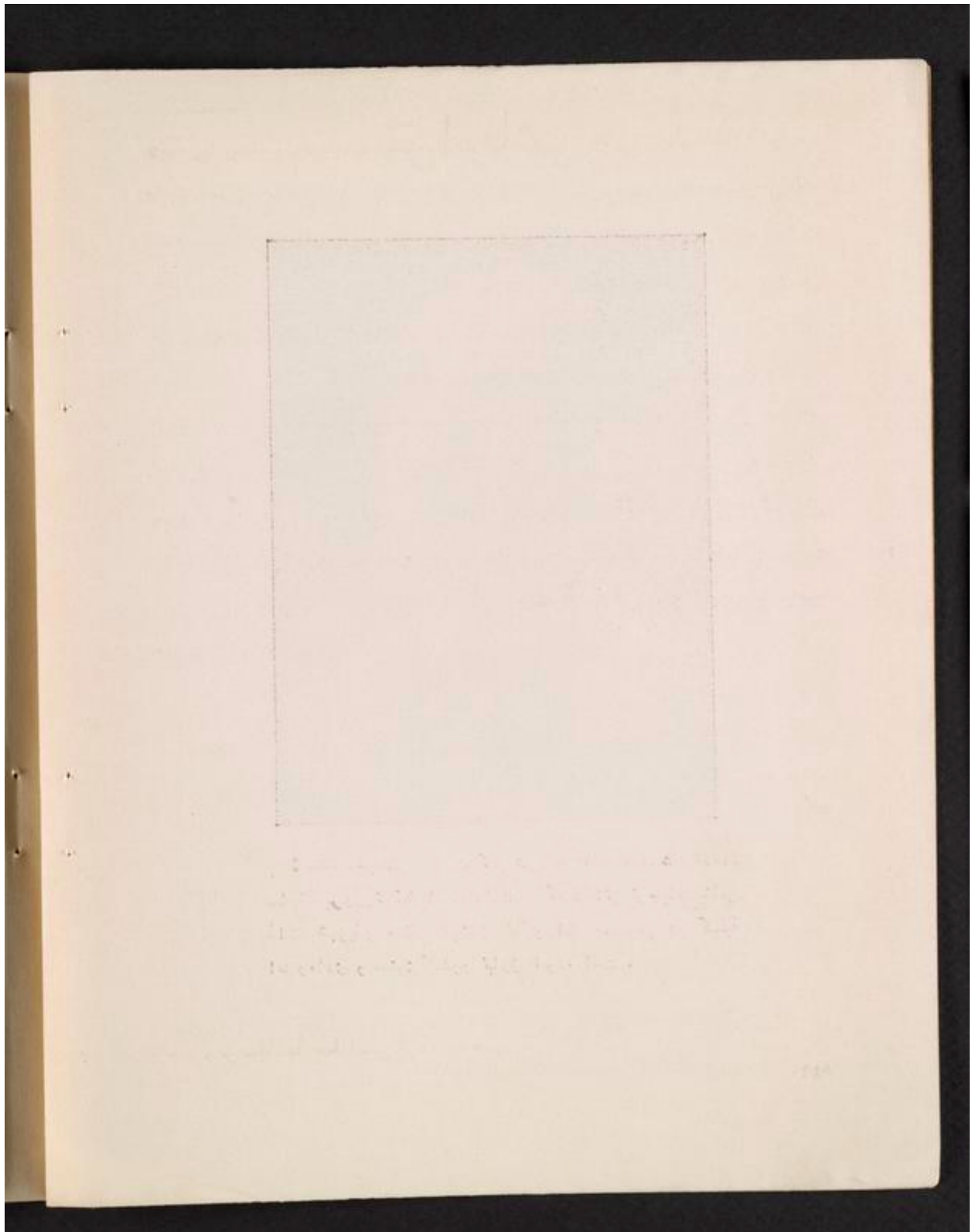
هنگامی که يك سلسله كتب تواریخ وطن را برای در یافت مضمون رساله دیوان اعلی تحت غور و مطالعه قرار داده بودم و هکذا در اسناد معتبر خطی هم که اسمآرجال معظم و مشهور افغانستان را تجسس می-کردم اشخاص صاحب مرتبه و حیثیتی که در ادوار ماقبل در وطن عزیز مصدر خدمات بزرگ شده بودند. حین مطالعه بنظر مؤلف (خیلی ها) برخوردند ولی در رساله تا ریخ دیوان اعلی [یا وزارت مالیه افغانستان] که در معرض مطالعه علاقمندان قرار میگیرد خاص درباره وزراء و کار پردازان آن میخوانم حرف بزیم و از نامهای بیشتر اشخاص تواریخی اگر شرحی نه بسته ام مطالع محترم ملتفت باشد که درین رساله از کسافی نام می برم که با شهرت مدعل بدیوان اعلی مملکت ارتباط خاصی داشته اند و با اعتبار اسناد معتبر خطی و كتب تواریخ بحقیقت پیوسته اند و از لحاظیکه نگارش بنده درین رساله از اصل مطلب تواریخ وزارت مالیه عدول نکنند از تذکره احوال سائر رجال قابل قدر محض بسبب رفع طوالت مضمون منصرف شده ام و معدرت نکات را که با حیات نام گذشتگان نامی وطن علاقه مفراط دارم در این اثر آنچه از اسماء و یا کار نامه های اشخاص تواریخی که در نظر ارباب معرفت جلوه نمیکند اعتذار بنده را بیکمال لطف پذیرفته باشند.

عزیزالدین



بندۀ خدا اعلیٰ حضرت المتوکل علی اللہ محمد ظاهر شاہ پادشاہ  
معارف پرور و ترقیخواہ افغانستان کہ در اثر توجہات خاص  
ذات شہریار معظم ایشان تطورات محسوسی در کلیتہ  
امور مادی و معنوی کشور تبارز نموده است .

مکتوبہ شریفہ بہ سید محمد رفیع الدین صاحب  
مکتبہ اسلامیہ کابل



## مرام ناشر

مدیریت تجریده ثروت و زارت مالیات خود را خیلی مسعود می داند که در طول مدت یکسال نشراتی خود علاوه انتشار مضامین متعدد علمی و حقوقی و اقتصادی و مالی و ... به طبع و نشر رسایل و کتب مفید و قابل تذکر نیز کامیابی های پی در پی نصیب او شده می رود.

طبع کتاب اقتصاد رهنمائی شده پایان نیافته بود که کتاب مختصر تجارت بین المللی را بغرض استفاده علاقه مندان از ما شین کشیدیم و هنوز این کتاب صحافی نه شده بود که رساله تاثیر عدالت در استفاده از منابع مالی و اقتصادی بچاپ رسید و آنهم توزیع نه شده بود که رساله مفید (دیوان اعلی و با تاریخ وزارت مالیه) تالیف و تتبع بشاغلی عزیز الدین و کیلی د. فوفلرائی: مدیر آرت و خطاطی مطابق هم در اخبار ثروت و متعاقب آن بصورت رساله علیحده از طبع بر آید.

این رساله حاوی مطالب تاریخی مالی و حسابی از عصر احمد شاه کبیر تا دوره سلطنت اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه پادشاه محبوب افغانستان است.

البته آن هائی که به علم و فرهنگ علاقه دارند مطالعه این رساله بی سابقه را از خدمات فرهنگی وزارت مالیه بحساب خواهند آورد و ما را بیشتر تحریص و تشجیع خواهند کرد تا در آینده خوب تر و بیشتر بتوانیم که آثار علمی مفید سایر نویسندگان مملکت را به طبع رسانیده و معروض مطالعه مطالعین قرار بدهیم.

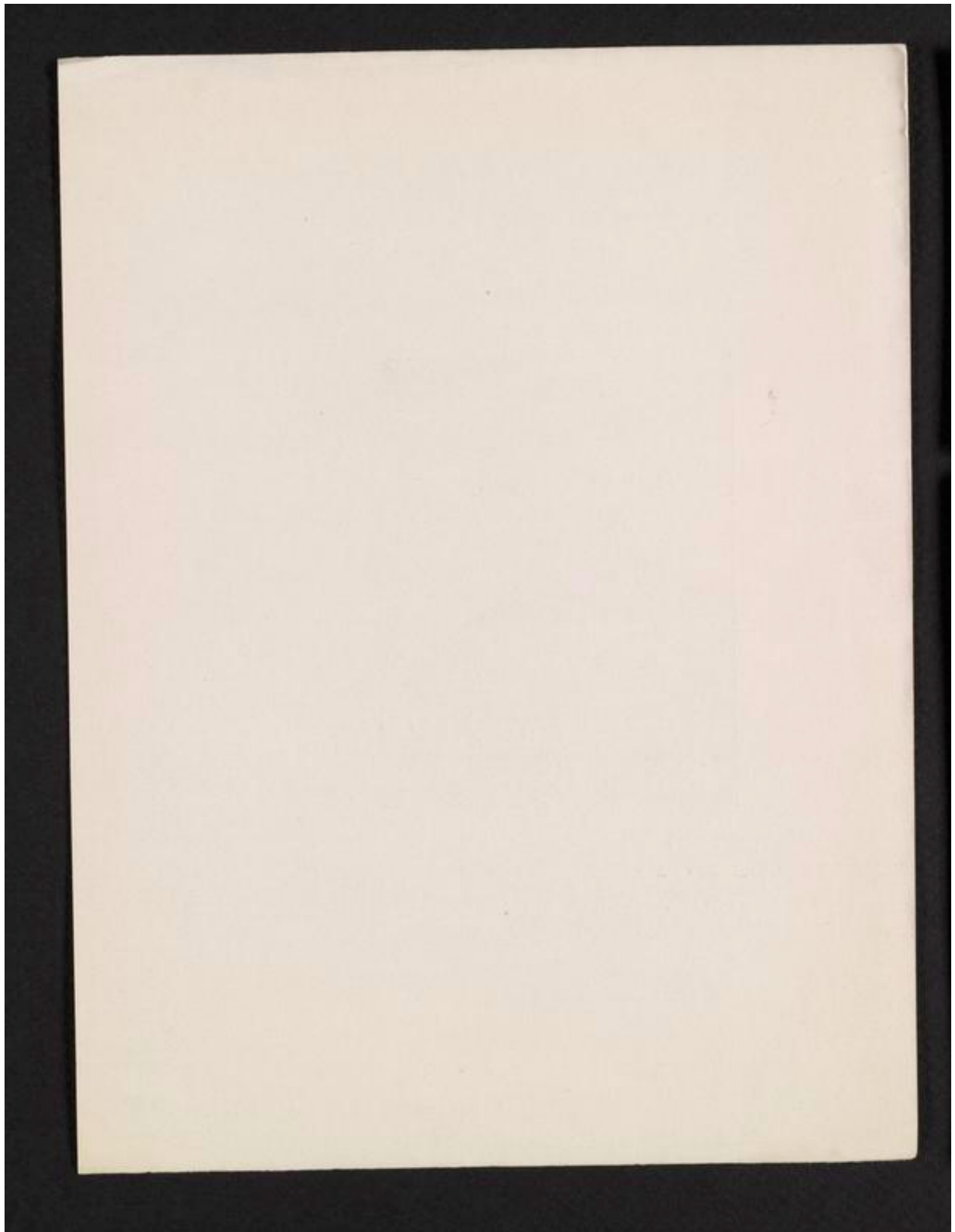
ما بنوبه خود خدمات علمی جریده ثروت را مرهون رهنمونی های  
علمی و مملکتی جناب عبدالملک وزیر مالیه دانسته و افتخار مینمائیم که  
ایشان موظفین جریده ثروت را در انتشار آثار و رسایل و کتب مفید  
تقویت می بخشایند و آن هارا از روی لطف اثری میدهند که آرزو های  
تیهفته خود را آشکارا ساخته میروند و خدمات علمی خود را روز بروز  
در انتظار منتظرین فرهنگ و معرفت بروز میدهند .

مرام یگانه مطبع و نشر مفسوره های علمی نویسنده گان و مؤلفین  
کشور بوده و آرزو مندیم که مشتاقان علم پس از اکتساب و مطابحه  
نشرات مطبوعه جریده ثروت آنچه را در زمینه انتشار کتب و رسایل خوب تر  
و بهتر بیندارند ما را به نقص اجراءات و کردار و بندار ما ملتفت سازند که  
خوب تر و بهتر مصدر خدمات علمی بمملکت عزیز گردیم .

محمد یونس حیران مدیر ثروت



پاغلی سردار محمد داؤد صدر اعظم یا اراده  
افغانستان که در ایام تصدی حکومت شان مملکت  
عزیز از هر ناحیه مدارج ارتقا را پیموده میروند



## بسم الله الرحمن الرحيم

### مقدمه

وزارت مالیه خوشبخت است که در طی مراحل دوسده سال حیات تاریخی خود در کشور عزیز افغانستان دواثر توجه بهی خواهان مملکت در عصر زمامداری والا حضرت سردار محمد داؤد سدراعظم وعبد الملك عبدالرحیم زی وزیر مالیه به نشر اخبار زیرمه «ثروت» موفق میگردد و مقام باقامی را که در عرصه دوسده سال مصدر بزرگترین خدمات کشوری را شکری شده است مراتب درجی ادوار مرقی او را بدهمگان می شناسند.

وزارت مالیه و یا مقامی که بدو نام دیوان هما یون اعلی بسر داشت در مملکت عزیز به تصور اکثر کسان از ۳۶ سال باینطرف آغاز میشود وای قام این وزارت و اساس آن هنگامی را بیاد میدهد که جهان کشایان قومی افغان در آغاز سلطنت درانی و افتتاح این وزارت اولین بار از زحمات سقر کشور هندی و بخارا و مشهد در قندهار راحت جسته و در پی زیبایی مملکت افغانستان در رفقا فزائی حصار عافیت خو بشتنان در قندهار برآمده بودند.

سعادت وطن از آن قیاس میشود که وزارت مالیه بوسیله اخبار زیرمه «ثروت» میتواند از یکطرف در امور دانی و فرهنگ و بلند بردن سربلندی افکار عامه و تولید منابع ثروت و توسیع شعب تجارت و تسهیل

( ۲ )

امور زراعت خدمت کنند و از طرف دیگر درز و ایای تبار یخ معاصر افغانستان برای روشن گردانیدن بعضی نکات مهم و احیاء خاطرات بزرگ خود و بوجود آوردن سر نوشت اشخاص قابل قدر مملکت کمک نماید و امیدواری بیشتر از آن معلوم میگردد که اخبار ثروت روز اقتصاب و طرز العمل های ادوار تاریخی خود را متدرجاً روی صفحات خویش در محضر مطالعه ارباب ذوق ایضاح و اعلام میکند.

وزارت مالیه که نخست در مملکت عزیز ما بنام دیوان اعلیٰ بوجود آمده است خاطرات دوسده سال قبل خود را فرا موش نمی کنند و اسم مؤسس و اسماً سامی متصدیان بزرگ خود را که بچه نام ها و بیکدام عنوان ها و بچه زحمات در رأس این مقام بزرگ عهده وزارت و مراتب خدمت بسر کرده اند به ما می شناساند و در پهلوی وظائف اداری خدمات سیاسی، عسکری، عرفانی و جان نثاری های او شایسته با بنای وطن نیز خاطر نشان میکنند.

اخبار زیر مه «ثروت» افتخار دارد و افتخار می بخشد که توسط نشریه های مفید اولین بار چه در صفحات خویش و چه در نشریات جداگانه از وزراء و همکاران او ای دثانوی خود بقدر دانی نام می برد که هم خدمات وزارت مالیه را در ادوار مختلف واضح مینماید و هم از سال تاسیس تا دم حاضر عده رجالی را که با داشتن این عهده خدمات دیگر می در راه خیر و سعادت وطن بجا کرده اند از سلسله اسماً ایشان توضیحات مستند و قابل قدری می دهد و هم ملومات سرد مندی را بغرض استفاده مردمانی که آرزوهند استماع داستانهای شکوه و عظمت زندگانی پدران خودند در معرض طبع و نشر تقدیم میکند. ع: و کیلی

(۳)

## وزارت مالیه در عصر

اعلیحضرت احمد شاه کبیر

۱۱۶۹

در سنه ۱۱۶۱ قمری که اعلیحضرت احمد شاه غازی شهنشاه نامی  
افغان تاج خسروی بر سر و قام آزادی کامل بر مملکت گذاشت آن دم  
افغانستان با تصاحب استقلال سیاسی و تاج و تخت شاهی و حصول موقع  
مساعده توانست که به تشکیل اسامات یک سلطنت قاهر و قائم بپزدازد و در اثر  
اقتدار کامل از کشورها باج ستاند و به افسرها تاج بخشد.

چون وجود وزارت مالیه که در یک مملکت از حیث دارائی امور مالی  
اقتصادی، زراعتی و تنظیم دخل و خرج و عوائد و مصارف مملکتی و اخذ  
خراج از بلاد و تسلطه هند و ایران بمرتبه اول ضرور بود نظر به کمثرت

نوت در سال ۱۱۶۲ قمری در سال دوم سلطنت اعلیحضرت احمد شاه کبیر در حمله سوم اعلیحضرت  
ممدوح بر لاهور حین وصول همدرانجا بامیر منو معین الملک جنگ خفیفی بوقوع پیوست  
و در اثر قوت و شدت لشکر احمد شاه درانی بصلح انجامید در نتیجه اعلیحضرت احمد شاه  
کبیر باراضی متصرفه نادر شاه افشار تر کمان فعلا اکتفا کرد و مالیات سبال کوت و کجرات  
اورنگ آباد و پسر پیا امرت سرور چهار محال را بر عهده میرمنو گذاشت که بسبیل  
استمرار بکاربرد از ان دولت سپارد و خود اعلیحضرت احمد شاه بعد از متعهد ساختن میرمنو  
به پرداختن مالیات هر چهار محال جانب کابل و فندهار رایت مراجعت افراشت.

از جمله مالیات عصر اعلیحضرت احمد شاه کبیر شکاریور در سال شش لک روپیه با جاره  
عبدالغالی خان سدوزانی بود که همساله به دیوان اعلی شاهی تحویل میداد و در اثر  
بافندی همین اجاره شش لک روپیه کیفیات او بجائی برسد که در سنه ۱۱۸۶ قمری مصدر  
بزرگترین فتنه گردید و ماجرا عجیب او در وقایع جلوس تیمورشاه در کتاپ موسوم به  
تیمورشاه درانی اثر بنده مفصل نگاشته شده است.

( ٤ )

گرفتاری و فیکر کشور کشائی اعلیحضرت احمد شاه غازی، شهنشاه معروف  
 و مدبر افغان و وظائف حربی که در بدو سلطنت دسه نفر وزیر با تدبیر  
 اوسپرده شده بود چهار سال عهده این وزارت در حال ابتدائی تحت اثر  
 یکمفرد میرزا باشی اداره شد که تا آنقسم شکل و زار و زما عداوری هم  
 به مرتبه وزیر نداشت میرزا باشی در آن حال با عده ای میرزایان محاسبتش  
 به کلیت امور محاسبات مملکت واری میگرد که میرزا باشی آنوقت  
 از سنه ۱۱۶۱ قمری الی ۱۱۶۵ قمری شاه پسند خان قوم اسحق زائی و آن  
 شخصی که قبل از سلطنت اعلیحضرت احمد شاه درانی در قظار ده نفر زعم  
 قبائل قندهار محسوب میشد اداره گردید و کلمه شاه پسند هم لقب او بود  
 که از طرف اعلیحضرت احمد شاه غازی برایش داده شده بود و اسم او  
 شاه پسند نبود مثل شاه ولی، شاه دوست، جان نثار، سرفراز، وفادار و امثالهم.  
 در اواخر سنه ۱۱۶۵ قمری پس از راحت زحمات سفر همد و عودت از فتح  
 کشمیر با مرور اراده سنیة اعلیحضرت غازی احمد شاه کبیر نظر به کثرت ذخائر  
 جنسی و روز افزونی خزائن نقدی و معاش و مصارف دولتی و تقنین دخل و خرج  
 مملکتی و تعیین جایگزین امراء قبائل و افراد لشکر و ما هو زین و غیره  
 وزارت مالیه را بنام [دیوان هما یون اعلی] بناء گذاشتند که مؤسس  
 و متصدی اول دیوان اعلی یا وزارت مالیه در افغانستان همان مرد مدبر و  
 سیاسی افغان سر دار عبد الله خان فز زائی اولین فاتح شهر سر همد  
 در ۱۱۶۲ قمری بود که بقول صاحب تاریخ افغانه و صاحب تاریخ احمد شاه  
 درانی در اردو کشی اول احمد شاه بصوب هندوستان بحیث یک افسر بزرگ

۱۴۴۹-۱۴۵۰

۱۴۵۱

( ۵ )

نظامی بدلقب اردو باشی [رئیس اردو] در دفعه اول شهر سر هند را به محاصرت  
افغانستان الحاق کرد و بقرل صاحب کتاب سیر المتاخرین و صاحب خزائن عامره  
[تذکره الشعراء هند] رجوع امع المتوارین و تاریخ احمدی و سلطانی اولین  
فاتح و فرمان فرمای کشمیر در ۱۱۶۵ قمری بود که بجائزه هر دو خدمت  
ذی قیمت عسکری که ۱۲ هزار سوار درانی بطور دائمی در تحت رایت او بود  
توانست که باین عهده رفیع در رأس دیوان اعلی از تقایا بد و از ان تاریخ  
با هر وزارت مالیه و وزارت عدلیه و تجارت و گمرکات و خزائن که  
هسب یک جزء وظائف و تشکیل وزارت مالیه دران ریز بود ادامه دهد [۱]  
و مستوفیان را از هند تا خراسان و از طخارستان تا بلوچستان در تحت اثر

نوت : در سال دهم سلطنت اعلیحضرت احمد شاه کبیر و یورش پنجم شاه موصوف  
بجانب لاهور و هند در سنه ۱۱۷۰ قمری که از قندهار برای مرحله بیمای صوب لاهور  
گردید بعد از وصول و اقامه چندی در لاهور و قتل که در دهلی رسید پس از توقف یکماه  
در آنجا در خلال احوال مذکور صلاح و صوابدید اعلیحضرت عالمکبر ثانی شهنشاه مغلی  
هند و وساطت سردار جهان خان فوفلزانی سپهسالار مبلغ پنجاه لک روپیه برسم واسم  
میشکش از نظام الدوله یسرقمر الدین خان وزیر العما لک مطا لیه گردید و بشرط تقدیم  
آن منصب وزارت کشور هند را بوی مرده دادند .

نظام الدوله از دون همتی و خست طبع قبول نکرد مگر خان که از جمله خواجہ سرا یان  
بارگاه اعلیحضرت احمد شاه درانی بود مامور تجسس نقدینه وی گشت و بعد از آنکه تمام  
اندوخته و نقدینه او ابراز نمود قرار حساب کنار برد از ان دولت ده کروڑ روپیه طلبید  
خزینة دیوان اعلی مملکت گردید .

( ۱ ) ضرابخانه در عصر سلاطین سدوزانی عنوان زرگر خانه داشت و زرگر باشی  
لقب رئیس او بود که تحت اثر دیوان اعلی مثل امروز بر وظیفه مسکو کتات عطا و نقره  
رسیدگی می کرد .

(۶)

همین عنوان اداره نماید. دارفدء این وزارت در دفعه اول در قفسه هار به عنوان دیوان بیگی [امیردقتر] قرار یافت که اینک شواهد ذیل را از تشکیل آنوقت حکومت ایران بطور مقائسه و مثال باهم می‌نگاریم:

سرجان مالکم مورخ انگلیس درباره قواعد مالییه در ایران و روابط و وظائف دیگر مربوط دیوان اعلیٰ مینویسد که: قواعد مالییه در ایران بر دو نوع است یکی روی کتب که در جمیع ممالک اسلام جاریست و محکمه دیگر هست که آنرا محکمه عرف گویند [وظائف قضائی جزائی امور شرعیه را نیز با اداره مالییه و آمر آن منسوب کرده می‌گوید] امر قتل را به شرع رجوع کرده بعد از ادای شهادت و فتوای شیخ الاسلام حکم را جاری می‌کنند قبل از سلطنت نادر شاه افشار. آمر محکمه را صدراعظم و در دیگر از صاحب منصبان محاکم عدلی ایران را مفتی می‌نامیدند در ایام صفویه دیوان عدالت دیگر داشتند و کسی را که بران مقرر بود [دیوان بیگی] می‌شامیدند و هر قتل و سرقت که در پای تخت و جمیع ممالک محروسه واقع میشد باستحضار وی انجام می‌یافت منقول است که فیصله و حکم چهار امر مخصوص [دیوان بیگی] بود - علاوه می‌کند که حکم قتل و هر گونه جزای بزرگ که سابق از صلاحیت پادشاه بود بواسطه خورشید شخص را که بدان عهده بر گماشت دیوان بیگی اقب داد «ص ۱۵۳ باب ۲۳ تاریخ سرجان مالکم»

جناب میر هوتک خان افغان شاعر معاصر اعلیٰ حضرت تیمور شاه معطابق مضمون سرجان مالکم در رثای دیوان بیگی افغانستان چنین می‌گوید:

|                              |                             |
|------------------------------|-----------------------------|
| چود دیوان بیگی از دار فنارفت | نمودند از غمش پیرو جوان حیف |
| لقب بودش وکیل الدوله از شاه  | میرس از اعتبارات جهان حیف   |
| چو او می‌بست بار رحلت از دهر | زمین افسوس می‌گفت آسمان حیف |

(۷)

سازنده بقرار نوشته سرجان مالکیم مؤرخ انگلیس که در باره احوالات ایران پرداخته است بغرض تثبیت عنوان وزیر مالیه و تعیین مقام آن در عهد سلاطین معظم سدوزائی افغان و مقائسه با تشکیلات مالک همجوار و سلطنت های همعصر آن می پردازم زیرا که در عهد سلطنت اعلیحضرت احمد شاه کبیر به لقب خان علوم؛ خان ملاخان [۱] قاضی القضاة شیخ الاسلام - صدراعظم و مدارالمهام امین محکمه معادل وزیر عدلیه در امروز شناخته شد و در نقشه شهر احمدشاهی قندهار که اثر مستند و ماخذ خیلی معتبر است جز عمارت دیوان اعلی و دفتر خانه خاص که دارالتحریر شاهی آنوقت بود هنزای بنام محکمه و یا باصلاح آنوقت قاضی خانه ملاحظه شد اصح روایت اینکه امور وزارت عدلیه جزء تشکیلات دیوانی اعلی مملکت بود که امور وزارت عدلیه و باره وظائف وزارت داخله و کمربل و تجارت مثل سائر امور محاسبات دولت در تحت اثر شخص دیوان بیگی و دیوان اعلی [وزارت مالیه و عدلیه] قرار داشت و سرجان مالکیم علاوه می کنند که معاملات قتل اشخاص که قبل به پادشاه تعلق داشت بعداً بو کالت پادشاه شخص دیگری که اجرائی نمود لقب او دیوان بیگی بود یعنی قوه اجرائیه و جزائیه بدون از دیوان اعلی و بیرون از اقتدار دیوان بیگی بود و هیچ فرمان

(۱) در عصر اعلیحضرت دوست محمد خان و بعد از آن همین لقب خان ملاخان و خان علوم در مملکت رواج داشت مثلاً ملا محمد سعید خان بارکزی از عصر شاه محمود سدوزائی تا اینوقت بحیث قاضی القضاة و خان علوم شهرت داشت و بعد از وی قاضی عبدالرحمن خان خان علوم مقرر گردید و پسرش قاضی عبدالسلام خان قاضی قندهار بود و بعد از وی قاضی عبدالدین خان بن قاضی عبدالرحمن خان بقضای قندهار مقرر شد .

( ۸ )

و مدارك خطی هم كه از آغاز عصر سدوزائی تا انجام بازمانده است بعنوان  
دیگری تصریح و تثبیت نگردیده است كه معاملات حسابی و اداری كشور  
جز این اداره به شعبه دیگر و یا شخص دیگری ارتباط داشته باشد مثلاً در عصر  
حاضر در اصول اساسی دولت علیه افغانستان محكمه بنام دیوان عالی بعضاً  
برای محكمه وزراء دولت عند الاقتضاء مؤقتاً تشکیل می یابد و بعد انجام  
اموری كه با وسیره می شود نسخ می گردود در عصر سدوزائی این محكمه نیز  
جزء دیوان اعلی مملكت بود كه بوكالات پادشاه و بجای رئیس محاكمات  
دولت آمر بزرگ دیوان اعلی محكمه اشخاص بزرگ و ادر دیوان اعلی  
دائری می ساخت و بعد انجام محكمه جزاء لازم را به شخص مسئول میداد  
ولی در عصر حاضر در قانون اساسی دولت این محكمه را مؤقتاً امر دائر شدن  
فرموده است و در این وقت بطور دائمی تحت اثر دیوان اعلی یا دیگر محكمه كم  
عدلی و امور دیوان مالیه اداره میگردید.

در عهد سلطنت اعلی حضرت احمد شاه غازی سردار عبدالله خان فوغلزائی  
دیوان بیگی در رأس قاضی خانه [محكمه شرعی] و عده مستوفیان و مستاجران  
و اشكر نویسان و جزائر چیان و شبهه گنخانه و قورخانه و جبهه خانه و دفتر  
خانه از قبیل دفتر خالصه دفتر مراجع دفتر اسناد و باصلاحات طوهار  
و روزنامه و غیره ۲۰ سال باین عهد رفیعہ قیام داشت و عنوان وزارت مالیه  
در اسناد خطی بنام [دیوان اعلی] و لقب وزیر مالیه كه سائر امور اداری

نوت در ادوار گذشته دفاتر دیوان اعلی بنامهای دفتر خاصه دفتر خالصه دفتر مراجع  
دفتر حساب دفتر اسناد دفتر تالانت دفتر را مداری دفتر روزنامه دفتر ثبت  
دفتر انشاء یاد میشد.

(۹)

کشور نیز بدو تفویض و جزء همین اداره بود [دیوان بیگی] نامیده شد و از روی نفوذ اداره و کفایت شخص اخیراً به [وکیل الدوله] ارتقا یافت و نام او در نقشه تعمیر شهر قندهار [منطبعة کتاب تیمور شاه درانی] به مستوفی الممالك و وکیل الدوله در سنه ۱۱۸۰ قمری سال نوزدهم سلطنت احمد شاه کبیر شناخته شده است و کتابی هم که بنام قنאוای احمد شاه در علم فقه و زبان ملی پستو تالیف کرده است مراتب علمیت مرحوم را در علوم شرعیه نیز ثابت و قول نگارنده را تأیید میدارد دیوان دیدری که بزبان ملی پستو و بعض اشعار فارسی تصنیف کرده است قدرت او را در هر دو زبان ثابت میکند که شاعر متوسط و متصوف هم بوده است یکی از حکایات مشهور آن مرحوم اینکه اعلیحضرت احمد شاه غازی بر ای او لقب جهاندار خان بخشیده بود چون اسمش عبدالله بود از آن لقب در گذشت و به لقب جهاندار معروف شد چنانچه در مقاطع اشعار خویش در پستو و فارسی اسم خود را عبد الله می نویسد و در مقاطع اشعار بطور عموم مثل اعلیحضرت احمد شاه کبیر که عوض تخلص در اشعار خویش احمد شاه مینویسد. اعلیحضرت تیمور شاه و شاه شجاع نیز از داشتن تخلص اباورزیده اند این شخص نیز اسم عبدالله را به تخلص و لقب مبدل نکرده است :

[ادوار دالایس پیرس <sup>E. E. Pierre</sup>] مؤرخ انگلیس با استناد کتاب فریر در مقدمه کتاب عروج بار کزائی اثر خویش از جناب موصوف بنام عبد الله خان «سرقبيله فوفلزائی» دو بار اسم می برد چنانچه از قول فریر معلوم میگردد که دیوان بیگی مرحوم کتابی هم در تاریخ عشائر درانی نوشته باشد چون

(۱۰)

خدمات او با سوانح مختصرش با ذکر تصانیفش در کتاب تیمور شاه درانی  
اثر بنده مندرج است اینجا از شرح زندگانی مرحوم خود داری نموده  
و بغرض اثبات تنها سبع مهر مرحوم را می نگارم :

دیوان بیگی ممالک مجر و سه

یافت از فضل الهی عهد شاه دین پناه

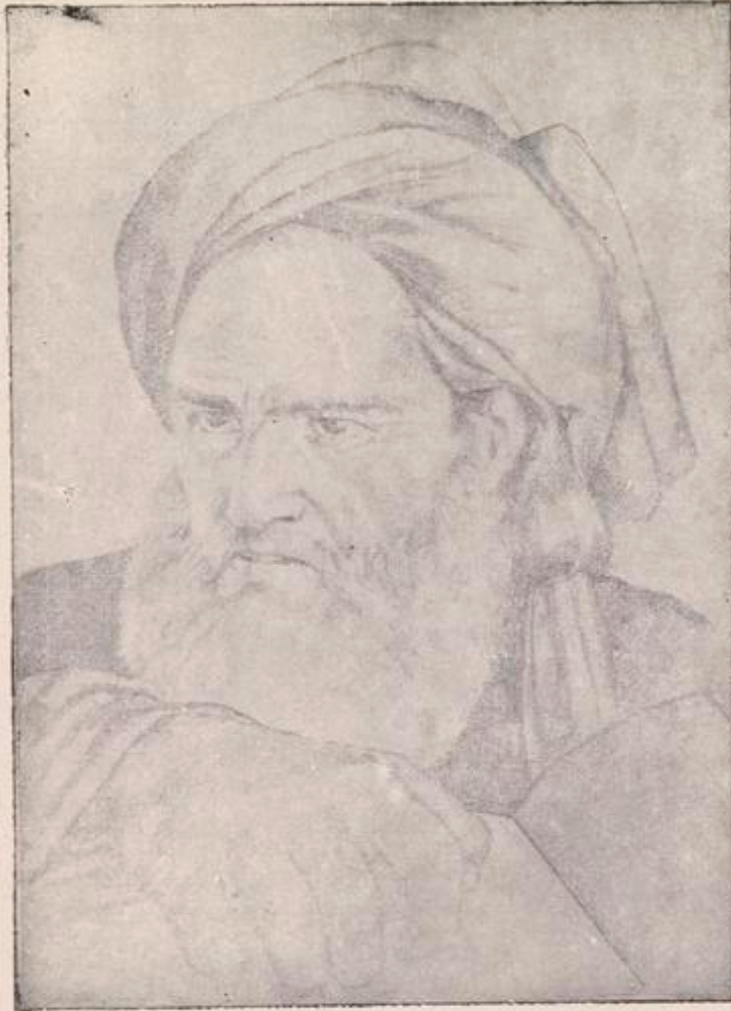
عبدالله بر مسند دیوان اعلی تکیه گاه ۱۱۶۶

از مستوفیان نامی عهدا علی حضرت احمد شاه غازی که در دیوان اعلی  
مملکت شرف ملازمت داشتند يك تن حاجی شیخ عبدا لطیف الاجا می بود  
که سلسله نسبش به حضرت شیخ احمد جام ژنده پیل میرسد و اند گری میرزا  
علی رضا خان موسوی [۱] بود و دیگری میرزا امان الله بود که پسر او  
عنبرین نام داشت [۲] و شخصی که در محکمه شرعی قندهار مقام قضا داشت  
محمد ادريس خان بود که کتاب (کامل الصنائعین) را حسب الامر اعلی حضرت  
احمد شاه غازی بزبان فارسی ترجمه کرده و بنام (فرستاهه) موسومش ساخته  
است و آن نسخه گران بها حال در کتابخانه شاهی کابل محفوظ است. قاضی  
محکمه هرات ملا فیض الله خان دولت شاهی [وزیر عهد تیمور شاه] بود قاضی  
محکمه شرعی کابل ملا عبداللہ اسم داشت که اسم پسر او ابو الفضل بود.

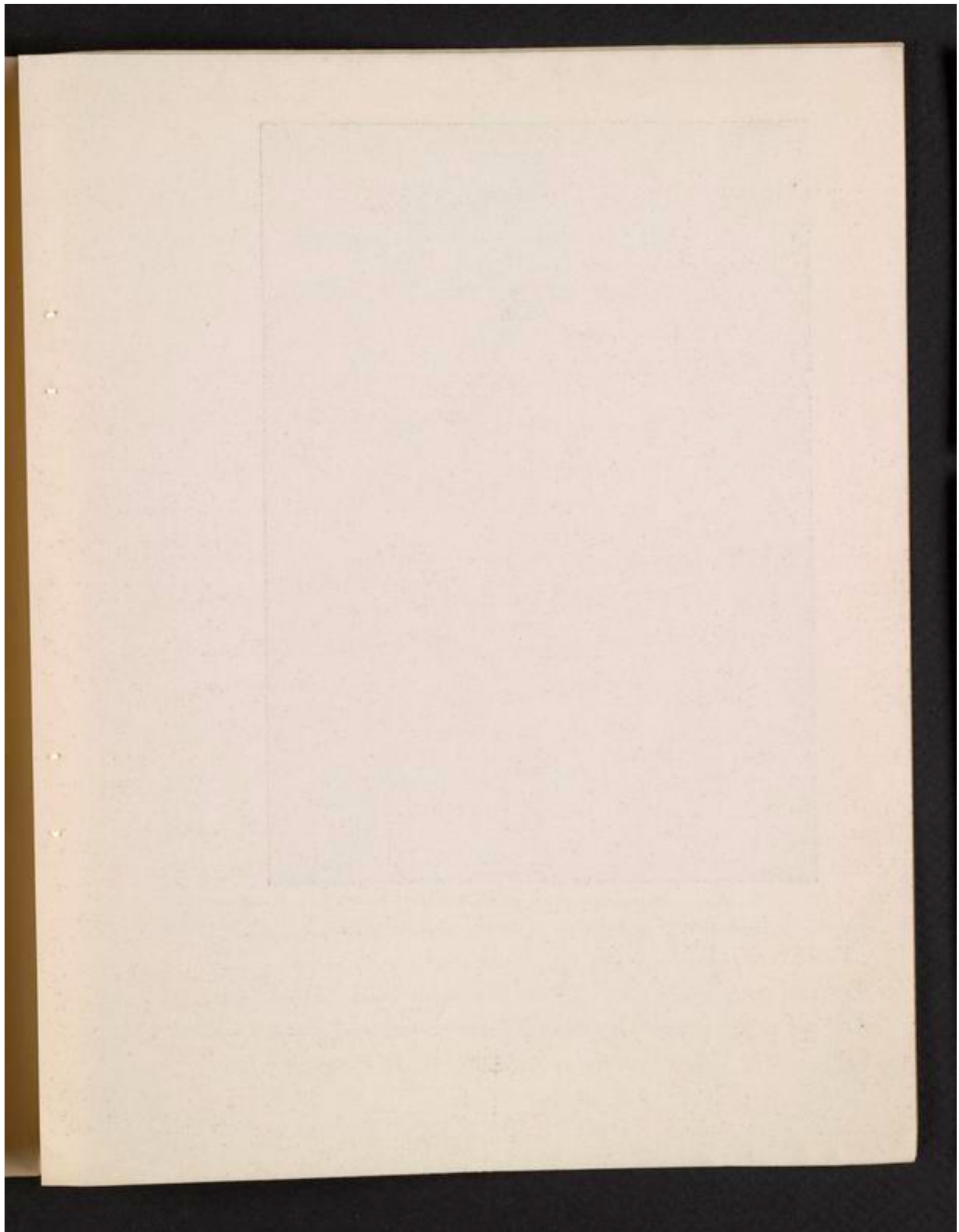
(۱) علی رضا موسوی شخصی که در کابل گذر علی رضا خان بنامش یاد میشود و بانی  
همین گذر شخص میرزا علی رضا موسوی بود.

(۲) عبارت مهر پسر میرزا امان الله که در پای يك ورق فرمان اعلی حضرت  
شاه شجاع الملك سدورانی به مشاهده نگارنده پیوسته است عنبرین یا امان الله خوانده  
میشود و عنبرین مذکور از عده نویسندگان و مشایخ عصر شاه شجاع الملك بود.

وکیل الدوله



جناب سردار عبداللہ خان مرحوم ( قوم فوقرائی ) دیوان بیگی مشہور درکن رکین سلطنت  
احمد شاہ کبیرہ مؤسس ( دیوان ہمایون اعلی ) یا وزارت مالہ و عدلیہ درافغانستان  
شخصی کہ علاوہ بر خدمات عسکری مدت نزدہ سال بعنوان دیوان بیگی و وکیل الدولہ  
در عہد شہنشاہ موصوف و ۱۶ سال در عہد سلطنت اعلی حضرت تیمور شاہ بعنوان وکیل الدولہ  
در راس تمام امور اداری کشور قرار داشت . ( متعلق صفحہ ۱۰ - رسالہ دیوان اعلی )



(۱۱)

یکی از مستوفیان نامی افغانستان سکجیون مل نام از قوم کهتری اهل  
هند متوطن کابل بود که این شخص صاحب قلم در سنه ۱۱۶۱ قمری برای  
استر دادپول مالیات ولایت کابل نزد امین الملک به سفارت هند فرستاده  
شده بود و پس از حصول مدعا و معاودت او به قندهار در سال ۱۱۶۵ قمری  
که اعلیحضرت احمد شاه غازی سردار عبدالله خان فوفلزائی ایشیک اقا سی  
[ثم دیوان بیگی] را بغرض فتح کشمیر بدانصوب فرستاد این وقت سکجیون  
مل نیز در جمله ملتزمین در کب سردار عبدالله خان موصوف همراه فرستاده شد  
وقتی که سردار عبدالله خان کشمیر را فتح و تحویل گرفت و کار گذاران  
عالمگیر نانی را از آنجا بر کشید خواجه عبدالله خان بن نواب عبدالصمد خان  
محمد زائی را که نسبت بزرگی عبدالله خان دیوان بیگی که آنوقت رتبه  
[امیر لشکر] داشت او را بنام خواجه عبدالله خان کوچک یاد می کردند  
یعنی سردار عبدالله خان فوفلزائی نامیده راپس از فتح کشمیر بحیث  
نائب الحکومه مقرر کرد و همچنان سکجیون مل نام هندو را بحیث استیفاء  
مسالك فرمان داد و وقتی که زمام حکومت خطه کشمیر بدست افتد از  
حکومت افغانی قرار گرفت او این مستوفی سلطنت افغانستان همدرا آنجا  
سکجیون مل هند و بامر سردار عبدالله خان فوفلزائی مقرر گردید  
سکجیون مل الی ۱۱۷۷ قمری ۱۳ سال این عهده را بسر برد (۱) سکجیون  
مل بقول صاحب کتاب سیر المتاخرین شخص نیک عقیده و قریب الاسلام  
و آدم خوب صورت بود که نامبرده بعد از فراغ امور دیوانی به مجلس

[۱] شرح کیفیات سکجیون مل هندو مستوفی متمرکد کشمیر دریا ورفی های صفحات  
۲۳۱-۲۳۲-۲۳۳ کتاب تیمور شاه درانی ملاحظه شود.

(۱۲)

شعرا و دانشمندان وقت خود را بسر می برد که حتی به شعراء زبده کشمیر  
امر کرده بود که تاریخ کشمیر را از ادوار گذشته الی عصر استیفاء خودش  
برشته نظم در کشند

سکجیون مل بک تن از مستوفیان نامدار عصر احمدشاه کبیر بود و در  
ضمن وقائع عهدشهنشاه میرو را زان مستوفی اسم برده میشود:



(۱۳)

# عهد سلطنت اعلیحضرت

تیمور شاه سدوزائی

در سنه ۱۱۸۶ قمری که اعلیحضرت تیمورشاه درانی باورد ننگ سلطنت موروثی تکیه زد به تقاضای عصر و مرام سیاسی حکومت خویش به توسیع این وزارت که سرچشمه حیات مدنی و مؤلف منابع و مؤجد مدارک مادی مملکت است چنین کوشید که وکیل الرعایا- امین محکمه مالیاتی- مهمتم دفاتر- امین المملک- افذا نرجسی- داروغه مالیات و ضابط و سکران های ثالثات [یعنی سه یک] و امثال آن افزود که این همه اسماء و عنو ان های فوق الذکر در همان دیوان اعلی مصر و فایض و وظائف خویش بودند و شخصی که در رأس تمام امور کشوری و لشکری عصر تیمورشاه بحیث نائب السلطنه

نوت: در متن ضحائف تاریخ معاصر افغانستان کلمه خالصه و خالصه جات زیاد بنظر میرسد و برای اینکه موضوع خالصه و لفظ معاف و مرفوع القلم مبهم نسکندارد برای تأیید مطالب صفحات گذشته معلومات ذیل پر داخته میشود:

در عصر سلاطین گذشته عادت بود تا فردی در امور عسکری خدمتی مهمی را انجام میداد بمنصب بزرگ عسکری و ملکی پذیرفته نمی شد و اعطای رتبه رفیع را بجائزه خدمات مهم پسندیده بودند و همچنان در بدل خسارات مشقات زیاد کشور کشائی که بعضاً برادر یا فرزند کسی بقتل میرسد و یا شخصی از خدمتگاران سابق دار که از کبر سن قوه حرکت نمیداشت مانند حقوق تقاعد در امروز بنام جایگزین املاک زراعتی را برای امراء و خوانین افغان می بخشیدند و اراضی بخشیده «مکافات» در دفترشاهی بنام خالصه یاد میشد و کسی که حدود و مقدار جریب زمین او در دفتر خالصه قید میشد مالیات او نیز معاف و باصطلاح مرفوع القلم میبود. هکذا لقب امیرالا امراء- امیر- خان- خانان عمده لغواتین و امثال آن در برابر یک خدمت نسبت میشد.

( ۱۴ )

قرار داشت سردار عبدالله خان فوفلزائی مؤسس و متصدی اول دیوان اعلی مملکت بود شخصی که در عهد سلطنت اعلیحضرت تیمورشاه درانی سدوزائی عهده وکیل الرعایا حاصل کرد حاجی شیخ عبداللطیف ارجا می بود که در عصر سلطنت اعلیحضرت احمد شاه غازی درز مره مستوفیان در دیوان اعلی [وزارت مالیه] رسمیت داشت و در جنگ ملتان با نژده هزار فوج در تحت رایت او سردار مدد خان اسحق زائی بسود و وقتی بغرض اخذ مالیات مشهود نیز دواصوب فرستاده شده بود اما از ارجا ظیمکه در او ائسل سلطنت اعلیحضرت تیمورشاه درانی نظربه غیظی که از اعلیحضرت موسوف در باره امراء سرکش طائفه درانی غالب شده بود شیخ عبداللطیف خان را جهة زحمت آنها در وظائف اداری کشور اختیار کامل بخشید و آن وکیل الرعایا یا مستوفی الممالک از فرط اخلاص شعاری بدوات تیمورشاهی اول باقیانی که بر ذمت مردم خصر صا امراء درانی از عصر اعلیحضرت احمد شاه غازی گذاشته بود نظربه بیستمهاد او و امرا کید و شدیدا اعلیحضرت تیمورشاه باقی دهان پول مالیات و غیره را برای تادیبه پول جلب نمود که در اثر همان شتاب و تعاقبت اندیشی شیخ عبداللطیف خان واقعه عبدالخالق خان سدوزائی ظهور کرد و بیستنهادهای پیهم شیخ عبداللطیف خان [۱] در طبقات ملت چنان اثر بد بخشید که تمام اقوام درانی از عصر سلطنت اعلیحضرت تیمورشاه مکدر شدند و این رویه شیخ عبداللطیف خان مصدر چندین فتنه و فساد بشد اما در قطار مستوفیان و کار پردازان بزرگ آنوقت

---

(۱) صاحب مجمل التواریخ شیخ عبداللطیف خان را یک مرتبه به لقب وزیر یاد میکند .

( ۱۵ )

شخص بیا فضیلت و صاحب سلسله نسب بود مگر از احاطه ظنیکه اقتدا را مرء  
در انسی راسلَب کردن میخو است او آخر عمر خود را به ذلت بسر برد که  
حتی در عهد سلطنت اعلیحضرت شاه زمان خانه نشین و ورثه موصوف هم ضبط شده  
و برای رهائش یکی از مهمانان هندی سپرده شده بود:

مستوفی الممالك یاو زیر مالیه اوائل سلطنت اعلیحضرت تیمور شاه  
همین شخص شیخ عبدالمطیف خان بود که اخیراً بلقب وکیل الراجیا  
ملقب شده بود و نامبرده در اوایل خراسان سلطنت تیمور شاهرهات که مسکن  
اجداد او بود فوت شده و در قریه کذره هرات مدفون گشت.

امین الملک عصر شهر یسار موصوف نورمحمد خان بایری بود که  
در ابتدا مهمم دفاتر مالیات و سپس بنام رئیس محکمه مالیات  
و بالاخر بنام امین الملک بحیث مستوفی الممالك عزافتخار حاصل نمود  
و صاحب کتاب دینتمو تار یخ میگوید که در اثر سعی و اهتمام خود  
خزائن تیمور شاه را به جماعه بلند رسانید که معاصرین او خدمات  
قابل وصفش را هر روز تمجید میدادند - سجع مهر امین الملک موصوف  
در اوقات ریاست محکمه مالیات به عبارت [عبد نورمحمد] و در وقت  
امین الملکی اش به چنین بیت مسجع گید دیده بود:

بدولتخواهی سلطان دوران امین الملک شد از دل و جان [۱]  
اعلیحضرت تیمور شاه در انی وقتی که شهر بلخ را در سنه ۱۲۰۴ قمری

از اثر تعرض شاه مراد بی حکمران بخارا را مکرر نجات بخشید چون

(۱) حرف «و» در کلمه دوران علامت ضمه است و اصلاً «وران» صحت است اشاره

به دوران منسوب به درانی.

( ۱۶ )

ثروت بیشمار دیگری عائد خزائن سلطنتی تیمور شاهی گردید در سنه ۱۷۹۱ ۱۲۰۵ قمری که یکسال از واقعهٔ نبرد شاه مراد مذکور سپری شد شخصی را برای تنظیم امور اداری کشور به عنوان دیوان بیسگی برگزید و دیوان بیسگی این وقت بقول شهرزاده علی قلی میرزای اعتضاد السلطنه ایرانی نویسنده تاریخ افغانستان میر هزار خان السکو زائی بود که در نیمهٔ سال ۱۲۰۵ قمری دو سال قبل از فوت اعلیحضرت تیمور شاه بصوب بلخ فرستاده شد اما میر هزار خان موصوف در عرض راه کسابل و بلخ فوت گردید و این رتبه را پیش از یکماه نتوانست بسر برد یعنی دو مین شخصی که بنام دیوان بیسگی در تاریخ مملکت شناخته شد میر هزار خان السکو زائی بود ولی ازینکه عمر با او مساعدت نکرد اثری از وی باقی نماند. نور محمد خان بابر امین الملک عهده خود را الی اواخر سلطنت زهان شاه سمرقانی نیز سر برد که بعد از حیات او این عهده به محمد اکرم خان فوفلزائی بن حاجی کریمداد خان عرض بیسگی دربار احمد شاه کبیر سپرده شد. نور محمد خان بابر در عهد سلطنت اعلیحضرت شاه زمان سدوزائی چهار هزار نفر از غلامخانه قزاقانش کابل نیز در تحت امر داشت که در هنگام مجاورت بحیث یک ژنرال ایفاء و وظیفه می نمود و در اوقات امنیت به همان وظیفه استیفاء ممالک رسیدگی میکرد ولی قسمت دارالقضاة در این عصر به لفظ مدار المهمام که یار وظائف وزارت داخلیه امروز نیز با انجا ارتباط داشت تعلق گرفت و امور محاسبات دولت کما فی السابق به دیوان اعلی مفوض شد و وظائف قضا و جزا از صلاحیت دا رنده دیوان اعلی برون گردید.

( ۱۷ )

چون مراتب قاضی فیض الله خان به شهرت مدارالمهام و یامین الملك به اوراق فرمانهای رسمی آنوقت تصریح نشده است تنها بقول مؤرخان اکتفا کردیم و حقایقی که درباره تعیین رتب اشخاص آن عصر در اسناد خطی بنظر بنده بر خورده است در نگارش مؤرخان افغانی و هندی و ایرانی اغلاط و اشتباه زیاد موجود است.

در همه حال وزارت مالیه در ۲۲ سال سلطنت اعلیحضرت تیمور شاه غازی ز سنه ۱۱۸۶ قمری الی ۱۲۰۷ قمری به چند نفر فوق و ملا عبد الغفار خان جدید الاسلام و التفات خان خواجه سر ا تعلق گرفت که وظائف مالیاتی را بادر امور کشوری و لشکری که اداره و انتظام لشکر نیز به زمامداران و کارپردازان وزارت مالیه مفوض و متعلق بود به مفهوم وزارت مالیه و وزارت دفاع ملی امروز می پرداختند و در هر دو عصر دیوان اعلی وزارت مالیه امور داخل و خارج عسکری را توسط لشکر نویس ها و نظارت گمرکات و تجارت را ذریعه عمال و ضباط و امور نقلیه را توسط میر آخورها و پیش خانه چی ها و قورخانه چی ها و راسی می نمودند.

---

نوت: در قسمت تشکیلات عصر سلطنت اعلیحضرت تیمور شاه درانی نظیر به معلومات زیادی که در کتاب موسوم به تیمور شاه درانی گرد آورده شده و بطبع رسیده است درین رساله قدری سطحی می گذاریم اگر مطالع آرزو مند تحقیقات فراوان باشد در اثر مذکور رجوع نماید و هکذا. اگر معلومات بیشتر را در قسمت سلطنت اعلیحضرت شاه زمان نیز بآمائیم کیفیات بغواهند مطالعه کنند نشر کتاب درة الزمان را که تحت تأیید است مع الغیر انتظار داشته باشند.

( ۱۸ )

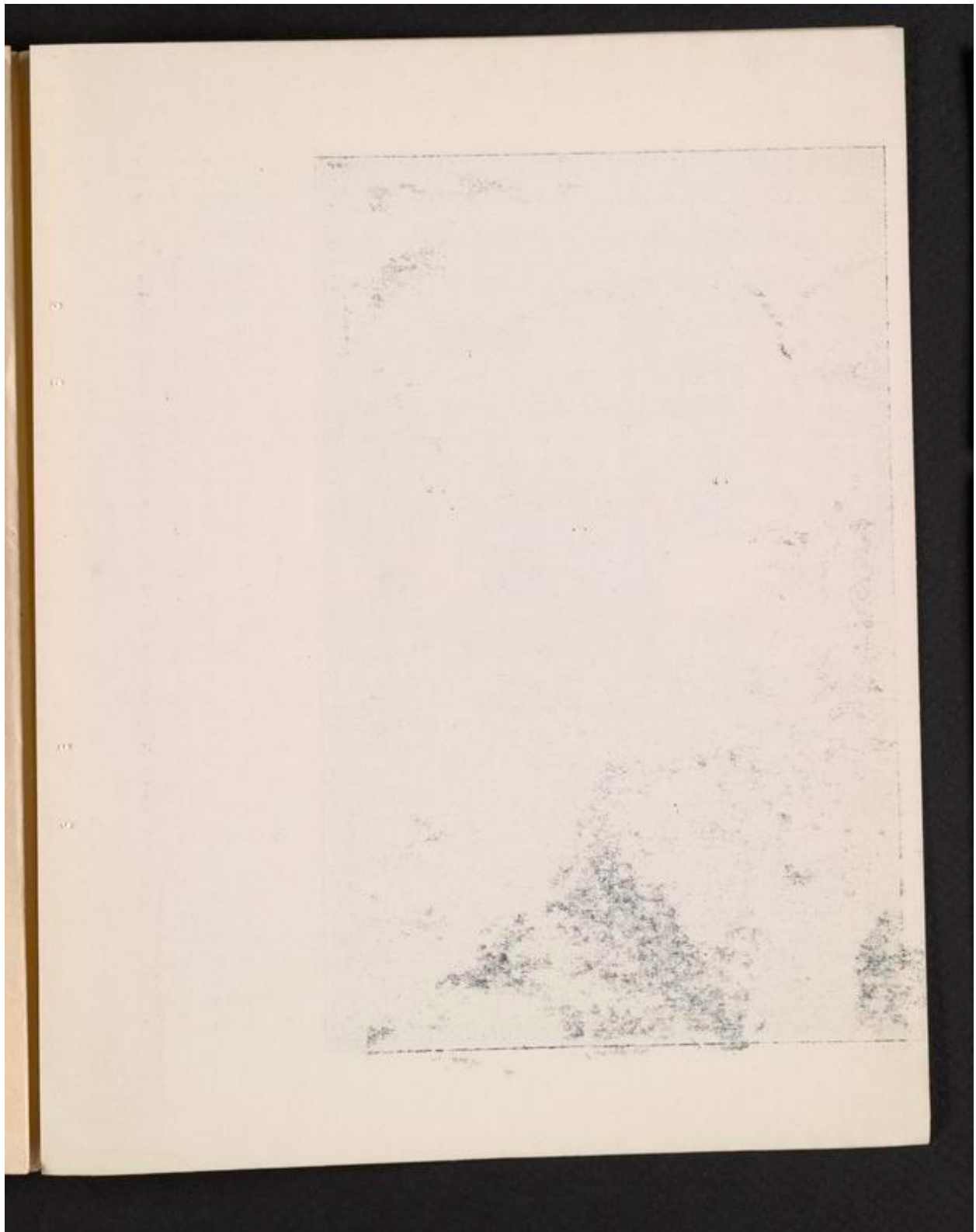
## عصر زمان شاه سدوزائی

در سنه ۱۲۰۷ قمری در عهد سلطنت اعلیحضرت شاه زمان نیز شخص امین  
 الملك نور محمد خان بایری الی اخیر عمر خود عین همین وظیفه را بسر  
 برد و بعد از آن محمد اکرم خان فوفلزائی بن حاجی کریمداد خان این  
 عهد را اشغال نمود که مستوفیان و مستاجران مالیات و داروغه های مالیات  
 و جزائر چیان و خزانه چی ها و ذخائر چی ها کما فی السابق تحت امر او  
 با امور مالیات مملکت و معاش عسکر منظم و تعیین جا بیکیر امراء  
 و ماورین و استیفاء محاسبات اراضی مملکتی بوسیله دفتر خالص ریاست  
 کرده اند [۱] و همچنان در عهد سلطنت اعلیحضرت شاه محمود و اعلیحضرت  
 شاه شجاع الملك یعنی از ۱۲۱۶ الی ۱۲۵۸ قمری به عین همین ترتیب با اسم  
 امین الملك و نظام الملك بجای لفظ وزیر مالیة موجوده و داخلیه و غیره  
 ابفاً وظیفه نموده اند که امین الملك معروف عصر شاه شجاع همان محمد  
 اکرم خان فوفلزائی بود که در اثر خوش بینی اعلیحضرت شاه زمان در عصر  
 سلطنت اول اعلیحضرت شاه شجاع الملك دارای رتبه و منزلت بود چنانچه  
 در اثر تقرب او حافظ شیر محمد خان مختار الدوله رارشک عموزاده کی  
 غالب شد که اخیراً شهزاده قیصر بن اعلیحضرت شاه زمان را که برا در زاده  
 عینی اعلیحضرت شاه شجاع بود یاغوا برانگیخت .

(۱) در چهار ورق فرمان اعلیحضرت شاه زمان متعلق اسناد خاندانی بنده بهلوی  
 مهر ملا عبدالغفار خان جدید الاسلام کلمه استیفاء معالک اشاره شده است ولی هر چهار  
 ورق در سنه ۱۲-۱۴ قمری نوشته شده است اینجا بقرار نوشته مؤرخان و اسناد  
 خطی قدری اختلافات موجود است.



عبدالله خان الکوزانی ملقب به معتمد الدوله یکی از حکام بزرگ افغانی که در کشور - شخصی در زمان حکومت وی  
(به مدت سلطنت زمانه در آنی) بول ما لیاث کشور در سال ۱۲۴۰ ک زویریه بخت به شمار می آمد و این تمنا ل مجمل او که در  
عصر حکومت خودش در کشور از طرف مصوری تصویر شده است در مثنی قصیده مدحیه رحمت دای شاعر معاصرش در کتاب  
فانی موسوم به لیلی و مجنون مندرج است و از حسن گفتار شاعر معلوم میگردد که نائب الحکومت موصوف علاء به بر انتظام امور  
حکومت آنجا بصفت خود و بخشایش و ورور و علما و شمران نیز توجه خاص داشت. «متعلق صفحه ۱۹۰ رساله روان اعالی»



( ۱۹ )

توضیح این مقال آنکه محمد اکرم خان امین الملک بن حاجی کریمداد خان  
برادر آزاد خان و آن شخصی که در نواحی قریب پشاور به هندستی اعظم خان  
فولزائی نساچی باشی و عبدالغفور خان فولزائی به طرفداری اعلیحضرت  
شاه شجاع الملک در جنگی که مقابل شهرزاده قیصر بن اعلیحضرت شاه زمان  
فرستاده شده بودند حافظ شیر محمد خان مختارالدوله را با برادرش حاجی  
میر احمد خان بکشتند و اخیراً در جنگ واقع نموده بمقابل لشکر اعلیحضرت  
شاه محمود [ علیه اعلیحضرت شاه شجاع الملک ] خود امین الملک  
محمد اکرم خان و عبدالغفور خان رفیقش از دست  
فتح خان باو کزائی وزیر و سر لشکر اعلیحضرت شاه محمود بکر دار عمل  
ایشان کشته گشتند و اعلیحضرت شاه شجاع الملک در یاد داشتهای خود

نوت: وقتی که عبداللہ خان الکوزائی ملقب به مخلص الدوله به حکومت کشمیر  
قبام داشت در سال ۲۴ لک روپیه عائد دیوان اعلیٰ سلطنت میشد اما اکثر بمواجب عمال  
و ضابطا مبری کشته شش هفت لک روپیه بخزانہ شاهی میرسید و از نواحی ملتان که جایگیر  
مردم سدوزائی درانی بود در سال ۳۰ لک روپیه عائد خزانہ شاهی میگشت و دیرہ غازی  
خان بمواجب مردم خدمتکار آن که از محصول آنجا مجری می بردند به هفت صد هزار  
روپیه اجاره بودند دیرہ اسمعیل خان بدو صد هزار روپیه در اجارہ عبدالرحیم خان هوتکی  
بود.  
پشاور و مضافاتش تا سال ۱۲۱۲ الی سال ششم سلطنت زمانہ شاه به هفت لک روپیه  
اجاره بود.

اعلیحضرت شاه زمان در سنه ۱۲۱۱ قمری که لاهور را مسخر گردانید احمد خان بارکزائی  
را به حکومت میان دوآبہ جبللم و سندسر افرازی بخشود و در سال یک لک روپیه از مالیات  
لاهور معین فرمود تا حاکم مذکور بخراسان سرحد و غور پردازد یعنی از مالیات لاهور  
در سنه ۱۲۱۱ در سال پنجم سلطنت شهریار موصوف یک لک روپیه تنها از دیوان اعلیٰ  
شاهی برای مصارف محافظت سرحدات میان دوآبہ و جبللم و سند تخصیص داده شده بود.

( ۲۰ )

گوید که فطر به اعتبار همین شخص امین الملك که بدربار شاه تقرب جست  
 بود حافظ شیر محمد خان [ ۱ ] مختارالدوله از لحاظ احوال خدمات گذشته  
 خود بنای نفاق و حسادت گذاشت تا در نتیجه زد و خورد لشکر طرفین  
 ( شجاع و قیصر ) مختارالدوله و برادرش حاجی میر احمد خان در پشاور  
 به قتل رسیدند .

نظام الملك در عهد سلطنت اول اعلیحضرت شاه شجاع سدوزائی  
 کل محمد خان بامیزائی فوغلزائی بن اشرف الوزراء شاه ولیخان بود که  
 سجع مهرش به مشاهده نگارنده چنین پیوسته است :

ز فضل اینزد و الطاف احمد نظام الملك شد گل محمد

توضیح : در سنه ۱۲۲۱ قمری در دوره سلطنت اول اعلیحضرت شاه شجاع  
 الملك چون ما این چندین ساله مجال سندان سبب اغتشاش انقراض سلطنت  
 زمان شاه و محمود شاه بکار گمان دیوان اعلی سلطنت نرسیده بود بدون

نوبت يك تن از مستوفیان عصر سلطنت اعلیحضرت شاه شجاع الملك اندال خان  
 فوغلزائی بود که هم را ناصر به استیفاء ولایت هرات سرافرازی داشت و در هنگام  
 لشکر کشی محمد ولی میرزا والی مشهد جانب هرات در یک واقعه خونین بتاریخ دوم  
 شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۲۲ قمری نظر ( یا آنکه مستوفیان افسران لشکر میبودند ) بمقت  
 کد اخان و محمود خان بشهادت رسیده اند .

وقتی که عظامحمد خان بن حافظ شیر محمد خان مختارالدوله از طرف اعلیحضرت  
 شاه شجاع الملك بنائب الحکومتی کشمیر عوض عبدالله خان مخلص الدوله ارتقا یافت  
 دیوان نندارم هندو که از میرزایان محاسب عصر سلطنت اعلیحضرت شاه شجاع الملك  
 بود بنام صاحب کار و سرپرست امور دیوانی حکومت وی بجای مستوفی ولایت کشمیر  
 بخدمت دولت افغان سرافراز گشت و تا زمانیکه عظامحمد خان بامیزائی هند را نجبا  
 قیام داشت نندارم ( هندو ) باستیفاء ولایت کشمیر می پرداخت .

(۲۱)

آنکه حاکم و یا مستاجری مامور شود خود اعلیحضرت شاه شجاع الملک  
از قدمداران سند بر گرفت. در منزل واقع شیر سوخ فرستاده گمان میران سند  
فیضیاب و کتاب شاهی شد و عرض و التماس نمودند که اعلیحضرت فسخ عزم  
فرمایند و زمین سند را بکند کوب سپاه نمایند و مبلغ هشت صد هزار روپیه  
بدون زحمت سفر عائد خزانة دیوان اعلیٰ شمارند. اعلیحضرت شاه شجاع الملک  
فقط به کثرت مالیات سند که بر ذمت اهالی آنجا از چهار سال باقی مانده  
بود عرض و استدعای ایشان را نه پذیرفت و برایشان بغرض پیش بینی و تدارک  
پول رخصت معاودت فرمود. همچنان در سال موت نیز و کسای میران سند  
بشرف و کتاب بوسی اعلیحضرت شاه شجاع الملک پیوستند و ده از ده لك  
روپیه بر ذمه گرفتند که مشروط بر معاودت اعلیحضرت شاه شجاع الملک  
ادا نمایند. ایضا عرض و استدعای ایشان را نه پذیرفت. چون اعلیحضرت  
شاه شجاع الملک بدین عزم وارد موضع [کنند آبه] و از آنجا وارد شکار  
پور شد در آنجا و کلاو میران سند و خوانین تالپور بسا سادات کرام و علماء  
عظام و پیرزادگان ذی احترام قرآن مجید را بدست شفاعت گرفته  
در بارگاه سلطنت حاضر آمدند و عفو بقایای پول مالیات چهار ساله دیوان  
اعلیٰ را که بر ذمت ایشان از چند سال مانده بود استدعا نمودند. اعلیحضرت  
شاه شجاع الملک پادشاه دیندار با احترام کلام حضرت ملک علام ده لك روپیه  
را بخشید و بیست لك روپیه را فرمود تا تحویل خزینة گردد و علاوه بر مبلغ  
فوق که حاصل و عائد دیوان اعلیٰ حکومت شد تحف و هدایای مرغوب دیگر  
از قبیل اسپان زین و براق طلا و نقره و تفتشکهای بست طلا و شمشیرهای قیمه

( ۲۲ )

مرصع و غیره قماش های نفیس برسم پیشکش واصل و داخل دیوان اعلی گشت  
و با عذازه شش الک رویه دیگر تعارف متشیان و کار بر دازان حضور

نوت: از میرزا یان با نام عصر اعلی حضرت شاه شجاع الملک یکنفر میرزا امام وردی  
خان بود که در ضمن وقایع حکومت مؤقت شاهزاده فتح جنگ و شاهزاده شاه پور نام  
اودر ماخذ قید است ولی میرزا امام وردی اغلب کمان میرود که پسر میرزا الله  
وردی خان (معاصر احمد شاه کبیر) باشد چنانچه در کتیبه زیارت سید اسحق شتلاقی  
(مشهور به شاه شهید) علیه الرحمه نام او بیا فو قوت خان خواجه سرا نقر شده است مثلاً  
در یک مصرع گوید (چو سرکاری نمود الله وردی) و در فرقه کوه دامن قلعه ای  
بنام الله وردی خان مشهور است که بر فراز یک تپه بلند از گل سفید کون اعمار شده  
است.

ساکنین فرقه گویند و فتنه اعلی حضرت سراج المله و الدین امیر حبیب الله خان  
شهید پسر و تفریح کوه دامن و خصوصاً برای تماشای آبشار فرقه درین دیار تشریف  
آورده بودند از زیانی محیط قدمه که جای خیلی خوش آب و هوا بود حیرت کردند و سپس  
سوال فرمودند که این گل سفید کون و محکم از خود این تپه خواهد بود و یا از جای  
دیگری نقل داده شده است به تصدیق یک نفر معمر به صحت پیوست که از گل همین تپه  
تخمیر و تعمیر شده است.

در مقابل تشریحات اسم الله وردی گفتند نویسنده ای از مردم فارسی بود و در  
عهد تیمور شاه سدوزانی به تعمیر قلعه پرداخته است و ای سلاطه از او در کوه دامن  
وجود ندارد بنده معلومات مختصری را که درباره هر دو نویسنده از زبان مولوی مسکین  
صاحب مقیم و مقتدای امایی فرقه کوه دامن نگاشته ام دلالت بران دارد که امام  
وردی اغلب پسر الله وردی و صاحب آن قلعه باشد اعلی حضرت شاه شجاع الملک در یک  
عبارت مجمل و مختصر خود گوید میرزا امام وردی معتمد امیر دوست محمد خان و با او در  
بخارا نیز رفته و در قید امیر بخارا بود و از آنجا به صلاح و صواب دید امیر موصوف خود را  
دیوانه قرار داده بواسطه دیوانگی از گرفتاری پادشاه بخارا خلاصی یافت و بفرض  
جاسوسی و مایل گردانیدن اعیان کابل را جانب امیر دوست محمد خان وارد کابل  
شده

(۲۳)

شاه افغان که سندیان تقدیم کردند در شمار آمد و مردم سند نیز از لطف شاه درانی بخلاف فاخره سرافراز گردیدند و همچنان فرستادگان راجهگان مرهته نیز با عرائض عجز مشرف شدند و سه زنجیر پیل و اسپان عربی با زین و یراق طلا و نقره و عقد های مروارید و تزیینات کمخواب و بادله و سلکتاره زری و قطیفه کهنی [که مردم هند او را در تپه مینامند] با غیره اجناس ابریشمین شرفیاب حضور شدند و بعد از تقدیم تحف قیمت دارو عرض عجز و انکسار رخصت مراجعت به وطن خود حاصل کردند.

اعلیحضرت شاه شجاع الملک وقتی که از شکار یو و رام دیر جات برگرفت وارد (کوت) و ملتهن شد در آنجا بهاول خان عباسی نیز یک زنجیر پیل و چند رأس اسب با سامان طلا و نقره و مبلغ کشمیری از زروسیم و چند اشتر و غیره اجناس زرین و ابریشمین قیمتمدار بطور هدایای مستمره مقرر و بحضور شاه فرستاد و فرستادگان بهاول خان عباسی رخصت معاودت حاصل کردند:

مقصد از نگارش فوق چنان است که در تاریخ امور مالی واداری افغانستان چنین موفقیات محض بدیوان اعلی مملکت قرار میگردد چنانچه اعلیحضرت شاه شجاع الملک در یادداشت های خصوصی خویش به عین همین تفصیل قلم فرسائی کرده اند و از نگارش ایشان معلوم میگردد که سرپرستی امور دیوان اعلی رادران مواقع خود بر ذمت داشتند و گویند در سنه ۱۲۲۳ قمری در دوره سلطنت ثاقوی اعلیحضرت شاه محمود وقتی برای استرداد تخت و سلطنت از دست شاه محمود میگوشتیم در حال

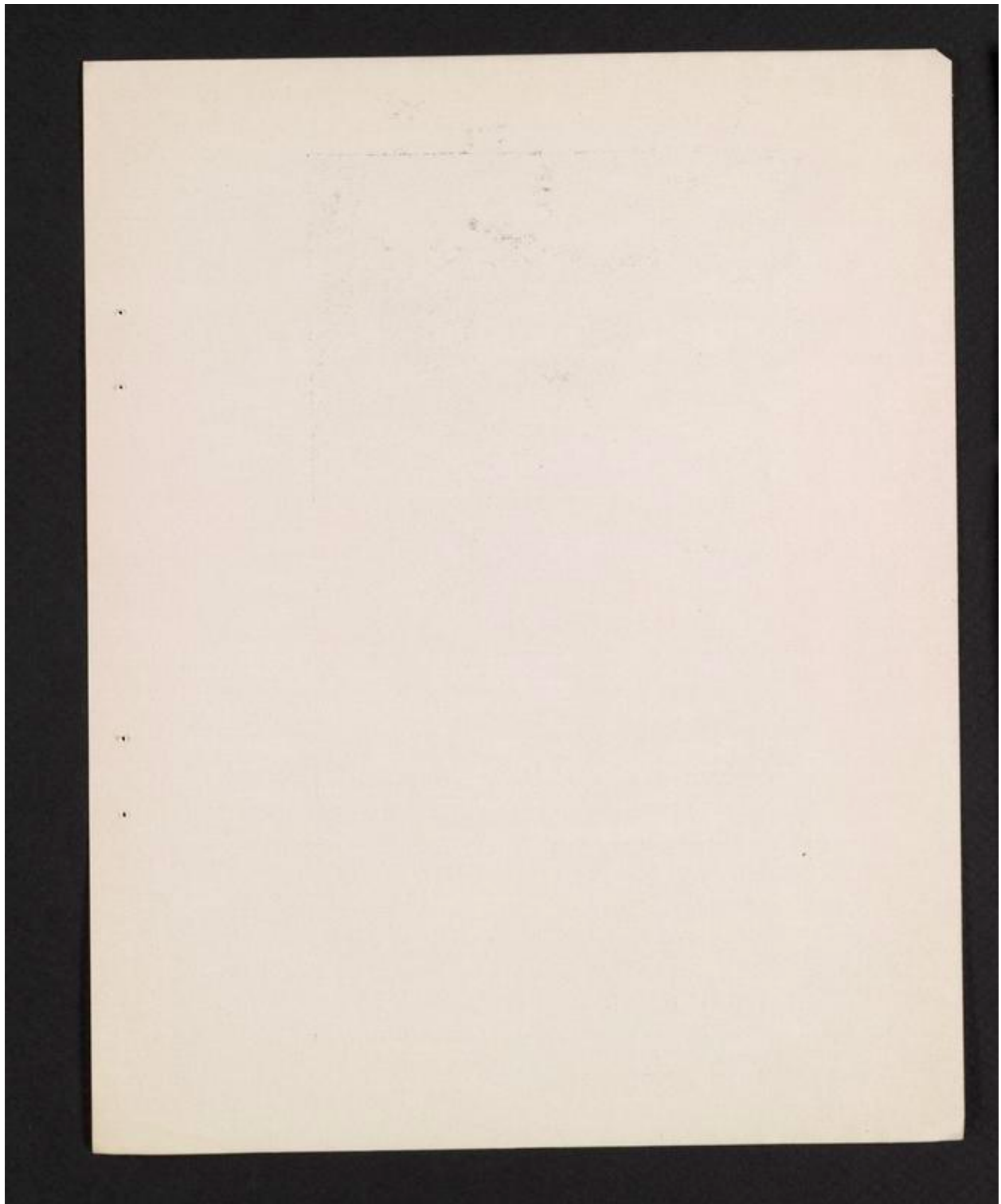
( ۲۴ )

هزیمت از پشاور کوچیده راه شکا پور بر گرفتیم و در ضمن وقایع متعلق  
بنا میران سند طرح معااهده را بختیم - آنکساه میر کر معلی خان  
و میر مراد علی خان فاهان پسران میر مراد علی خان که از بزرگترین  
شخصیت های آن سرزمین بودند میران مذکور از بابت مالیات سند علاوه  
بر طلا و نقره مسکوک که بسیار و اقشمة نفیسة ابریشمین و زرین ساعت  
و دوربین و ظروف بلورین و امتعة قیمت دار چینی و اسلحه و آلات هر صاع  
و مصاحف و وظائف مذهبی و دوزنجیر پیل و خیمه ها و فرشهای قیمتی  
و دو عراده توپ جلوی بحضور رم تقدیم کردند پنجاه دانه اشرقی و بیست  
هزار روپیة نقد نیز از حضور گذرا عبده و بخزانة سپردند و قرار دادند  
هر وقت زمام سلطنت افغانستان بدست شهزاده شجاع الملك قرار گیرد  
مالیات مجالات سند و شکسار پور را ادا مینمائیم و همچنین در اوقات  
تشریف آوری زوجات محترمات دودمان نجیب شاهی هر گونه پیشکش  
را ازین قرار که سزاوار شوکت فامیل جلیل سلطنتی باشد به تقدیم خواهیم  
رسانید .

شاه شجاع الملك در عصر سلطنت و غیر سلطنت خود ازینگونه افتخارات  
قلمی و اداری بیشتر دارد ولی هیچ سفسطه ای نمی تواند که ازین تبرئه  
در گذرد و خدمات او را لباس دیگری بپوشاند زیرا اصل کیفیات اگر  
بنظر حقیقت مجسم شود میتواند از بعضی شهرتهای نهمت آمیزش چشم  
پوشد .



اعلیحضرت شاه شجاع الملک درانی سدوزائی - شاهی که در استیصال  
یو، مالیات از کشور هند دیوان اعلی مملکت در آوان سلطنت خویش  
کمتر مزید بهمرسانده است و رساله دیوان اعلی که در از مینه مغیوس  
تاریخ وزارت مالیات سخن میرا اند خدمات شاه مرصوف را آنچه درین راه  
انجام داده است بشظر قدر می نکرد.  
(متملق مضمون صفحه ۲۴ رساله دیوان اعلی)



(۲۵)

## عصر سلطنت محمود شاه

سد وزائی

چون عصر سلطنت اعلیحضرت شاه محمود سد وزائی در دفعه اول و ثانی  
وسلطنت اعلیحضرت شاه شجاع الملک ازیر آشوب ترین از منته تا ریخی  
این مملکت بود لهذا تشکیلات سلطنتی آنها بصورت مکمل مثل سلطنت  
اعلیحضرت احمد شاه کبیر و اعلیحضرت تیمور شاه باهم مقایسه نمیشوند  
و خصوصاً در عصر سلطنت اعلیحضرت شاه محمود که چهل و دو واقعه بزرگ  
رخ داد در تشکیل سلطنت او صدمات بزرگی بوقوع پیوست که در امور  
محاسبات و دفتر داری احدی را نفس براحت کشیدن نگذاشت لهذا طرز  
دفتر داری و تشکیل عصر شاه محمود سسوزائی قدری ضعیف تر از ادوار قبل  
و بعد او بشمار میرود ولی کسانی که از نویسندگان و معاصرین او بودند  
در عصر سلطنت زما نشاء و شاه شجاع الملک از هر یک نام بردیم (۱)

---

(۱) در سنه ۱۲۱۹ در سال چهارم سلطنت اول اعلیحضرت شاه محمود برای یکمرتبه  
وزیر فتح خان بارگزائی جهت وصول مالیات دیوانی مامور هزاره و بامیان گردیده  
بود و قبل از آنکه یول مالیات را جمع و بدیوان اعلی مملکت بسپارد سلطنت اعلیحضرت  
شاه محمود سدوزائی منقرض گشت و وزیر فتح خان پیش از آنکه یول مالیات را جمع  
کند غنای موقع لشکر زیاده از مردم بامیان و هزاره کرد آورد و در منزل میدان بنا  
لشکر شهزاده شجاع الملک بمقابله پرداخت .

( ۲۶ )

## بار دوم سلطنت اعلیحضرت

شاه شجاع الملک

در عصر سلطنت ثانی اعلیحضرت شاه شجاع الملک شخص دیگری بنام ملا عبدالشکور باین عهده برگزیده شده بود و همدرین عصر محمد عثمان خان بن رحمت الله خان وزیر قوم کامران خیل سدوزائی فوغلزائی مامور ثالثات (یعنی سه کونئی) خالصه جات بود که اخیراً در اثر پیشنهاد مکتوباتن والکساندر برنس اندلیس بلقب نظام الدوله ارتقا یافت و وظیفه ملا عبدالشکور خان وزیر را عندالاقضاء بدو سپردند (۱) وای در حال انقراض سلطنت اعلیحضرت موصوف یعنی دو ماه قبل از شهادت آن شهریار شهید شخص دیگری در رأس دبران اعلی مملکت با همان اقتدار کامل یعنی باستیفاء کل ممالک محروسه و قضا و جزاء تعیین گردید که شخص مذکور نواب شجاعت علی خان نواده نواب نجیب الدوله هندی بود و گویند که نواب شجاعت علی خان مذکور مشروط به معاوضت سلطنت شاه شجاع الملک رتبه دیوان بیگی حاصل کرد و در آن وقتیکه کشاکش دست استعمار در خاک افغانستان از هر طرف دراز شده بود اعلیحضرت شاه شجاع الملک

(۱) ثالثات یکی از وظائف دیوان اعلی بود که بامور ثالثات در دفتر خالصه آمر و مختار کار آن شمرده میشد اما ملا عبدالشکور خان شخصی بود که سی سال پیش مختار کار اعلیحضرت شاه شجاع الملک بود ولی در اثر ایام معتدین از کار برطرف شد و با آنکه اعلیحضرت شاه شجاع الملک او را بدل خلی دوست میداشت اما نظر بمجبوریهای گوناگون نتوانست که او را حمایت کند و لا بد وظیفه و صلاحیت او را به نظام الدوله سپرد.

( ۲۷ )

بیاره جز آن نداشت که آن رتبه جلیله را از شخص با تعهد معاوضت و پشتیبانی در امور سلطنتش دریغ کند چون خاندان نواب نجیب الدوله [۱] در خاک هند شهرت بسزا و اقتدار زیاد داشتند در میثاق سری نواب شجاعت علی خان اعلی حضرت شاه شجاع الملک رتبه دیوان بیگی را با اقتدار کامل مثل اعلی حضرت احمد شاه کبیر بدو سپرد و ابی نواب شجاعت علی خان وقتی باخذ این مقام نائل شد که دو ماه بعد اعلی حضرت

شاه شجاع الملک در کابل به شهادت رسید و دیوان بیگی مذکور به معیت شهزادگان رهسپار هند شد نواب نجیب الدوله بقرار نبشته مؤرخان هندی از بزرگترین شخصیت های آن سرزمین بود زیرا وقتی که اعلی حضرت احمد شاه کبیر بر روز جمعه هفتم ماه جمادی الاول ۱۱۷۰ قمری در دهلی برسد دختر عزیز الدین بن اعلی حضرت محمد شاه عالم کبیر ثانی مغلی را برای شهزاده تیمور فرزند ارشد خویش برگزید و در آن وقت زمام حکومت دهلی را از سبب خویشی به عزیز الدین موصوف سپرد و نجیب الدوله را لقب امارت بخشید شهبه ای نیست که نواب نجیب الدوله

(۱) شخص نواب نجیب الدوله را که مؤرخان هند بلفظ هندی نسبت داده اند سبب آنکه حیات و اوقات او در خاک های هند بسر شده بود و از آن جهت بنام هندی شهرت او بیشتر است و نگارنده بلاخره که در آنوقت کشور هند در تصرف امپراطوری افغان بود نسبت هندی را درباره نجیب الدوله مانند قندهاری - کابل - هروی - بلخی و امثال آن میدانم یعنی شخص نجیب الدوله اصلاً از مردم افغان و بقول من یوسفزائی بود و اعلی حضرت احمد شاه درانی کسانی را در کشور هند برتب و القاب اعزازی از حضور خود سرافراز گردانید که داشتن اصالت افغانی رجال آن سرزمین شرط اول نظریات شهبه موصوف بود .

( ۲۸ )

از مقتدر ترین شخصیت های هند بود و تا میرده الی ۱۱۸۴ قمری که سال فوت اوست باین لقب ملقب و ممتاز بود و شاعری تاریخ و وفات موسوفرا چنین انشاد کرده است:

زمین را شیوة شیون بپا شد

بدان قدوسیان دادند این رمز

فلک را گریه دندان نماد

نجیب الدوله واصل با خدا شد

۱۱۸۴ ق

بمعارت دیبکر نکتہ سنجان معاصرش تاریخ وفات او را بحساب جمل [ناظم ملک بقا] نیز دریا فته افند.

غرض اینجاست که اعلیحضرت شاه شجاع الملک قریب انقرض سلطنت خویش و اب شجاعت علی را باعتبار اجدادش که در کشور هند صاحب رسوخ کامل و تقاره بنام ایشان تسوخته میشد و از عهد سلاطین مغل تا وقت

نوت یکی از مستوفیان عصر سلطنت اعلیحضرت شاه شجاع الملک ابدال خان فوغلزائی بود که بعد از انصر به استیفاء ولایت هرات سرافرازی داشت و در هنگام لشکر کشی محمد ولی میرزا والی خراسان جانب هرات در یک واقعه خونینی که در آن دیار بوقوع پیوست بتاریخ دوم شهر ربیع الثانی در سنه ۱۲۲۲ قمری به معیت کسبداخان و محمود خان شهادت بر سید.

شخصی دیگری از نویسندگان معاصر اعلیحضرت شاه شجاع الملک میرزا عبدالعزیز بود که در آن سلطنت اول شاه موصوف بخزانة داری جو اهر و نقد و جنس آن وقت سرافرازی داشت و در یک جنگی که در عرض راه جلال آباد و پشاور بین لشکر شاه شجاع و وزیر فتح خان بوقوع پیوست در موقعی که محمد اکرم خان امین الملک و عبدالغفور خان فوغلزائی سرداران لشکر شاه شجاع کشته گشتند ابوالحسن خان خزانة دار و ملاجعفر که در آن حال با حرم محترم شاهی در قلعه آنک اقامت داشتند و جوه نقد و جواهر ثمینه نفیسه را از راه خیانت برداشته و با توان حرم عفت توام شاهی را گذاشته در لاهور نزد در نجیب سنگ که دست نشاندۀ اعلیحضرت شاه زمان بودند رفتند.

(۲۹)

شاه شجاع سلسلهٔ اجداد او به عزت و منزلت در گذشته بودند منصب دیوان بیگی را مشروط به معاونت او اعطا نمود ولی از آنکه دو ماه در کابل مقام دیوان بیگی (وزیر الممالک افغانستان) حاصل کرده بود مثل میرزا خان الشکور زائی شهرت او بسیار کم است مگر این سو هین شخصی است که در کتب تواریخ وطن به منصب دیوان بیگی وزیر مالیه و سر کرده دارالقضاة در آن وقت شناخته میشود و قبل از آن نواب محمد عثمان خان نظام الدوله و بیشتر از آن ملا عبدالشکور خان وزیر مرتبه استیفاء دیوان اعلیٰ با مقام وزارت مالیه بطوری که ذکر شد از آن بی بود.

در بارهٔ تثبیت مقام وزارت مالیه در آن اعصار سر جان مالکم مؤرخ انگلیس مکرر در مورد امور مالیات مملکت ایران در عصر حکومت آقا محمد خان قاجار معاصر سلطنت اعلیحضرت شاه زمان شرح میدهد که حاجی ابراهیم در عهد حکومت آقا محمد قاجار در جمیع امور مملکتیه مداخلت میکرد. و همه کارهای معظم دولت با استحضار وی میگذشت بعض اوقات وزیر دیگری نیز معین بود که امور محاسبات مالیه را بد و محول میکرد چنانچه درین اوقات میرزا شفیع صدراعظم است [۱] و حاجی محمد حسن

---

[۱] حاجی فیروزالدین بن اعلیحضرت تیمور شاه درانی در آوان سلطنت برادرش اعلیحضرت شاه محمود عبدالرشید خان درانی را که از وابستگان او بود از حکومت هرات برسم رسالت نزد فتحعلی شاه قاجار حکمران ایران فرستاد حین وصول عبدالرشید خان درانی در ماه ذی قعدة سنه ۱۲۳۰ قمری در طهران فتحعلی شاه قاجار با استقبال و احترام نمایندهٔ شهرادهٔ قاندار افغان سرای نشین همین شخص میرزا شفیع صدراعظم را که عمارت عالیشانی بود برای اقامت عبدالرشید خان موصوف معین کرده بود.

( ۳۰ )

مباشر مالیه است و هیچکس بدین بیش ازین صاحب این منصب را در ایران  
امین الدوله میخواندند و حال حاجی محمد حسن را نظام الدوله لقب داده  
اند بغیر از وزراء بزرگ مستوفیان و منشیان نیز هستند که به معا و انت  
ایشان کارهای بسیار میگذرد و دفاتر جمع و خرج ممالک محول بسا ایشان  
است منزلی که مستوفیان در آن مجتمع میشوند دفترخانه گویند [ صفحه ۱۵۳ ]  
باب ۲۳ تاریخ سرجان ها المم

در مملکت عزیز ما افغانستان نیز در اعصار گذشته مستوفی الممالک  
وزیر ازهم فرق نداشتند و با القاب نظام الملک امین الملک و کبیر الاریا  
و سرمنشی های دیگر بنام دبیر الملک و منشی باشی و منشی و سرد بیرو لشکر  
نویس با آنها همکار و موظف امور مالیات و جمع و خرج مملکت بودند.  
غرض نگارنده از نگاشتن احوالات ایران اینجاست که زیبایی تشکیلات  
اداری حکومت افغانستان با ممالک همجوار یعنی ایران و هند در آن  
اوقات تفاوتی ازهم نداشته اند یعنی هر لقب و عنوانی که در تشکیلات حکومت  
ایران و غیره وجود داشت خواه منخواه در تشکیلات حکومت افغانی عنوان  
بالمثل و به تغییر عبارت وجود داشته است و مقصد دیگر آنکه مستوفی و منشی  
های آن اعصار زود عهده وزیر و یا صدر اعظم را انتقال میکردند که مباشر  
و یا متصدی امور مالیه [ بمنزله مستوفی الممالک ] در آن اوقات از عهده  
صدر اعظم و یا وزیر اول فرقی نداشتند.

(۳۱)

## عصر سلطنت اعلیٰ حضرت

امیر دوست محمد خان

کسانیکه از آغاز سلطنت امیر کبیر اعلیٰ حضرت دوست محمد خان  
مؤسس سلاله محمد زائی از سنه ۱۲۵۹ قمری مطابق ۱۸۴۳ عیسوی بابت طرف  
در رأس این مقام برسمیت شناخته شده اند اول میرزا عبدالسمیع خان  
بود که مقام وزارت داشت چنانچه در متن يك معروضه شخصی که  
نصر الله خان ولد نائب امین الله خان از گری بغران سردار سلطان محمد خان  
محمد زائی جبهه اخذ مناش خود نوشته و متن معروضه آن در صفحه ۱۴۷

نوشته در وقتیکه امیر محمد افضل خان مرحوم از طرف اعلیٰ حضرت امیر دوست محمد خان  
والد بزرگوارش بنائب الحکومتی بلخ قرار داشت میرزا احمد خان کشمیری (و آن  
شخصیکه در زمره نویسندگان عصر سلطنت امیر شیرعلی خان از ان نام گرفته ایم)  
مستوفی وی بود و شخص دیگر که منشی خاص و مقصدی امور حکومتش بود سردار محمد  
عمر خان نوبختی جد نگارنده بودند و فتنه سردار محمد افضل خان شهر تخته پیل  
را اساسی گذاشت و تهداب نهاد محمد عمر خان مرحوم را حاکم آنجا مقرر ساخت  
چون خاطر حاکم موصوف از وضع آب و هوای آنجا ملال آورد قصیده شکایت آمیزی  
سرود که از آن جمله يك بیت اینست :

از هجوم يشو و ضیق معیشت اندران - تخته پیل شهرست کو در کار باشد نیست نیست  
سردار محمد عمر خان (عمر) چون از مقر بان خاص و از شمراء و نویسندگان معاصرش  
بود در وقت سلطنتش او را بر تبه مباشر مالیات و بعده بحکومت (کرم) که نام علاقه ایست  
سرافرازش گردانید سجع مهرش اینکه :

یافته از آتش دوزخ گذر از شرف نام محمد عمر

سوانح مکمل مرحوم در شماره های ۴۴-۴۵ سال ۱۱ مجله آریانا با استناد خطی سلاطین  
محمد زائی که کراف شده است ملاحظه شود .

(۳۲)

کتاب درزوازی تاریخ معاصر افغانستان اثر کهنزاد مسطور است تا میرده  
میرزا عبدالسمیع خان مستوفی را بعنوان عالیحضرت یاد میکند و هكذا  
در صفحه دیگر در ضمن وقایع عهد شاه شجاع الملک و امیر دوست محمد خان  
میرزا عبدالسمیع خان بلفظ صدر اعظم نیز یاد شده است و این شواهد مکرر است  
که مقام رسمی و نفوذ مستوفی الممالک های اسبق افغانستان را بر طبق  
نوشته ها تأیید میکند .

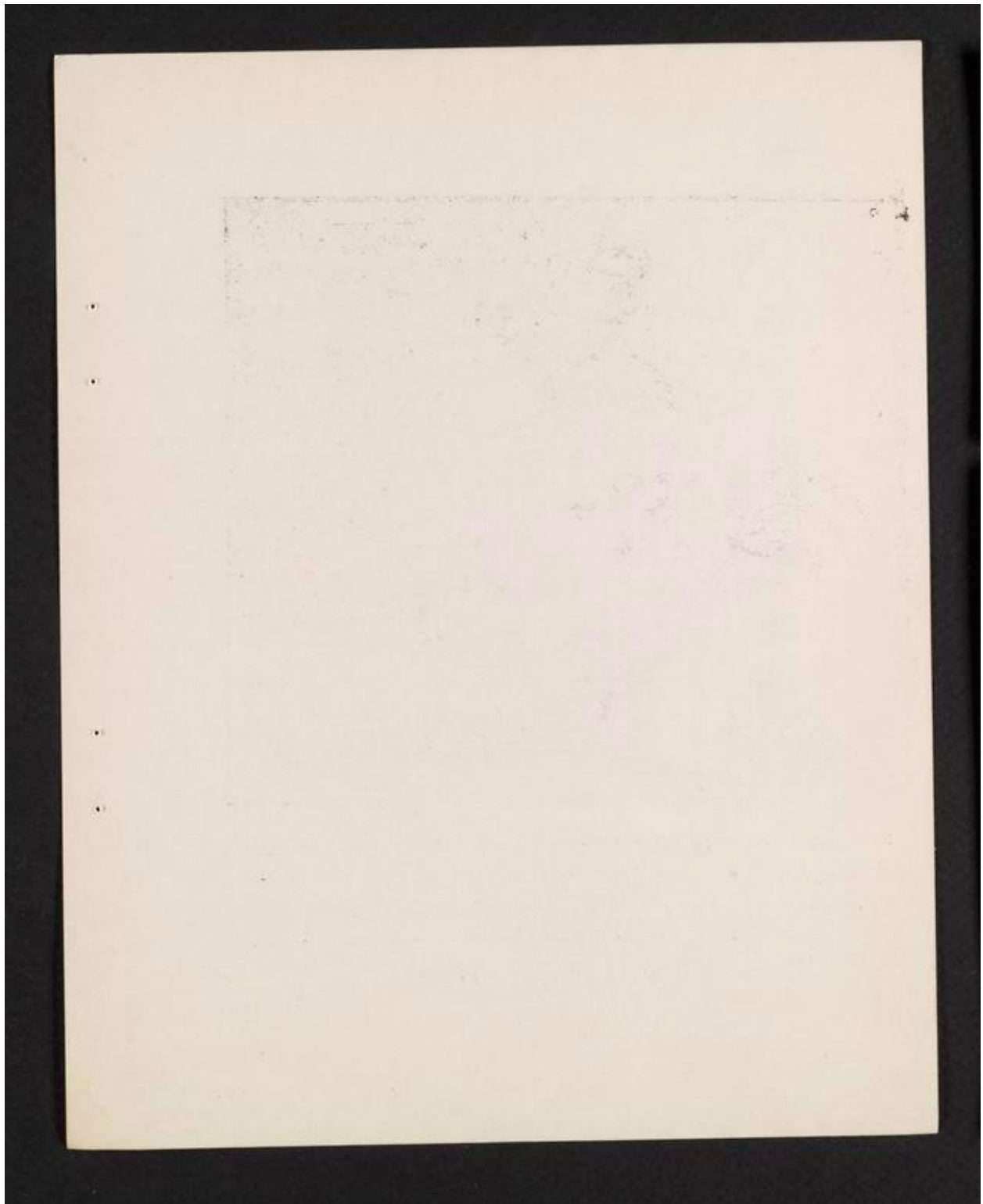
میرزا عبدالسمیع خان در سفر امیر بیرا علی حضرت دوست محمد خان  
بصوب هند [در مقابل بارنجیت سنگ سردار معمر سکهان] همراه و مشاور  
سیاسی امیر دوست محمد خان بود و امیر هیرور بتر نیماست عسکری خود  
در اوقات جنگ طبق پلانهای میرزا عبدالسمیع خان رفتار میکرد  
و میرزای موصوف علاوه بر صفت نویسندگی مرد حربی و سیاسی نیز بود .  
از صفات او اینکه : در موقع جلوس اول علی حضرت امیر دوست محمد خان  
در ۱۲۵۴ قمری بحث های طولی راجع بیافتن يك نبشته مناسب برای  
فص خاتم امیر و مسکو کاتی که ضرب میشد مجلسی از طرف دبیران دانشمند  
دائر شد تا بالاخر میرزا عبدالسمیع خان اتفاقاً کامیاب گردید و مضمونی  
دریافت که بر گفته های دگران امتیاز داشت .

فص خاتم امیر دوست محمد خان مرحوم در عصر سلطنت اولش بوصف  
موقع جهاد که در حال حرکت بودند چنین نقر شد :

امیر دوست محمد بعزم جنگ جهاد کمر بست و بزد که تا مرش حق باد  
در عصر سلطنت دومش در اوائل سال ۱۲۵۹ قمری چنین اتفاق افتاد :



میرزا عبدالسمیع خان وزیر مشهور و معاصر اعلیحضرت دوست محمد خان در دوره  
سلطنت اول و ثانی ایشان زمامدار بزرگ استیفاً معالک در عصر شهریار مبرور که  
بعضاً بعنوان وزیر و اغلب بنام مستوفی عهدہ مستوفی المعالک (یا وزیر مالیہ) را بر ذمت خویش  
داشت و در عهد اعلیحضرت شاه شجاع الملک از منشی های با کفایت آن عصر بود .  
(متنق صفحہ ۳۲ رسالہ دیوان اعلی)



( ۳۳ )

بزرگ فضل و عنایات خالق اکبر - امیر دوست محمد دو باره سکه بزر  
میرزا عبدالسمیع خان فطر بدرايت و سیاست مداری خویش اگر بمنزلات  
استیفاء ممالک و یا وزارت رسیده بود از روی خدمات حربی - سیاسی  
و اداری اش چنانچه در وقایع عهد سلطنت امیر کمبیر اعلیحضرت  
دوست محمد خان مسطور است ذیحق بود [ ۱ ]

در عصر سلطنت اول و دوم امیر دوست محمد خان شخص دیگری که عنوان  
مستوفی داشت میرزا سید حسین خان بن میرزا سید حسن خان بود که در ضمن  
وقایع حکومت مؤقت شهزاده فتح جنگ بن اعلیحضرت شاه شجاع  
الملک بنام آقا حسین از آن نام گرفته اند و شخصی دیگری میرزا محمد حسن  
ولد میرزا عسکر [سوی میرزا محمد حسن مهر بردار اعلیحضرت شاه شجاع]  
بود که در وقت امیر کمبیر در جمله کار گذاران دولت سرافراز بود.

میرزا عبد السمیع خان مستوفی یکبار در سنه ۱۲۶۵ قمری بمعیت  
سردار محمد اکرم خان جهت تسخیر تر کستان نیز فرستاده شده بود  
و در ماخذ تاریخ همه جا اسم او بلفظ وزیر یاد شده است و شخص دیگری  
بنام میرزا عبد الرزاق خان بیشتر بعنوان مستوفی شهرت داشت و در  
عصر سلطنت ثانی اعلیحضرت شاه شجاع الملک نیز از جمله مستوفیان آن عصر  
محسوب میشد یعنی از عهد سلطنت اعلیحضرت شاه شجاع الملک تا اینوقت  
لقب استیفاء او واضح است. شخص دیگری میرزا عبد المجید خان بود  
و آن هم لقب استیفاء داشت و میرزای دیگری محمد رضا نام داشت که  
در دائره استیفاء ممالک محروسه از جمله نویسندگان زیر دست میرزا

(۱) ادوارد الیس پیرس مؤلف کتاب عروج بارکزائی در باره میرزا عبد السمیع خان معلومات  
فصل مبدع دولی از روی زیادت اغلاط و اشتباهی که در اثر او موجود است قابل اقتباس نیست.

(۳۴)

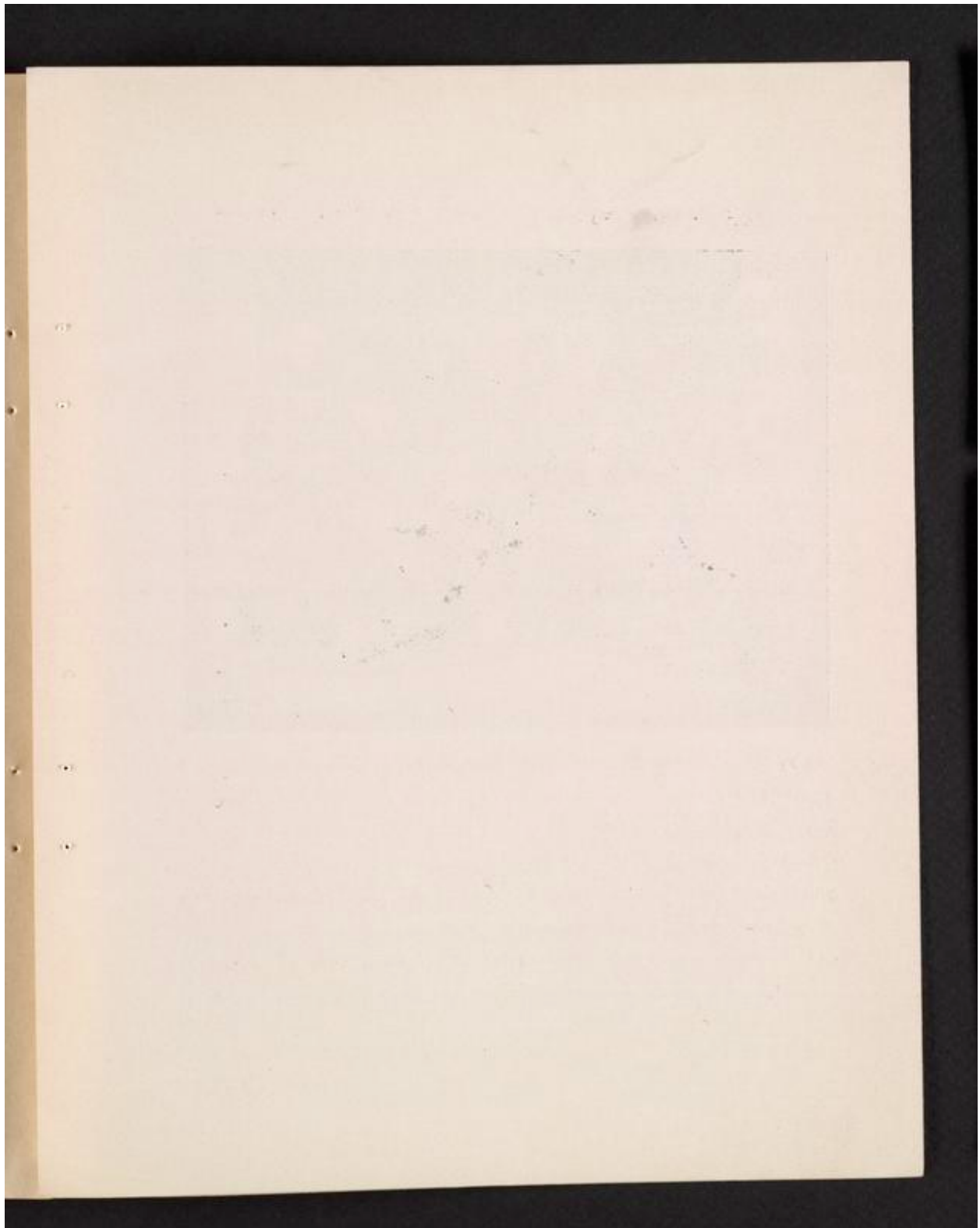
عبدالسمیع خان وزیر محسوب میشد و دیوان میتها و دیوان بیربل و دیوان دایه رام و دیوان دیتی رام چهار نفر از اهل هنود متوطن کابل  
اعضاء دیوان استیفاء ممالک آن عصر بودند و دیگر از نویسندگان معتبر  
عصر امیر کمبیر میرزا سید حسین خان بود که در وقایع سال ۱۲۷۹ قمری  
در جمله اکابر دیوار از و نام برده شده است اما معلومات بیشتری را که  
در اطراف شخصیتش مأخذ تاریخ معرفی کنند بصورت مفصل بمشاهده مؤلف  
نه پیوسته است ولی در سفر اعلیحضرت امیر شیرعلیخان مرحوم بطرف اقباله (۱)

(۱) : در سنه ۱۲۸۶ قمری که اعلیحضرت امیر شیرعلیخان مرحوم در اقباله تشریف  
می بردند در آن سفر شهبازاده عبدالله خان ولیعهد (که قدم بمرحله هفت سالگی گذاشته بود) و سید  
نور محمد شاه صدر اعظم و ایشیک افاسی شیردل خان و میرزا محمد حسین خان دبیر و سردار  
نصرت الله خان سرعسكر و خوشدل خان بن ایشیک افاسی شیردل خان و فاطر حسین علی خان پنجشیری  
و صفدر علی خان برادرش باش هزار نفر سوار و پیاده با اعلیحضرت امیر شیرعلیخان همراه  
و مسافرا اقباله بودند. پس از معاودت سفر اقباله فاطر حسین علی خان که از طرف پدر  
پنجشیری و از طرف مادر از مردم سیاه منصور چند اول بود گویند خادم اخلاص کیش  
و قلم خو از صداقت شعار اعلیحضرت امیر شیرعلیخان بود چنانچه فاطر حسین علی خان  
از حضور اعلیحضرت امیر شیرعلیخان مرحوم برای احداث شهر جدید موسوم به شیرپور  
بسمت شمال شهر کابل که بدور پشته بی بی مهر و بنا نهاده شده بود مهمتم آنکار مقرر  
گردید و چند تن از افسران نظامی و بزرگان ملکی را برای تهیه اسباب تعمیر بزرگ  
دست فاطر مذکور گماشت و تمام افراد سیاه را بزرگ دست معماران و نجاران و غیره  
مامور نمود و در ماه پنج روپیه اضافه از معاش مقرره ماهوار افاد سیاه (که هفت روپیه  
کابلی بود) اجرت قرار داد و الی پنج سال هزاران معمار و نجار و کنگکار و آهنگر  
و مردم اجرت کار سوای افراد لشکر دیوار سمت جنوب شهر و نصف از ضلع مغربی  
و قدری از ضلع مشرقی را بر افراختند و موازی پنجاه فلبه زمین که مساوی از دوهزار  
جریب باشد برای عمارات سکنه شهر تعیین گردید و تپه شیرپور محل عمارات پادشاهی  
قرار داده شد و دیوار سبطری که توب و فوج بر فراز آن گردش کنند با بروج متعدد  
و دروب متوسع امر افراشتن صادر کرد و در طرف اندرون دیوار حصار بقاصله گردش  
فرج و توبخانه دیوار جدا گانه و جای اقامت افواج را معین فرمود و آن یکی از کار

جمال دولت پاینده قسمت از لیست      وصی دوست محمد امیر شیر علیست



۱۱ علیحضرت غفران مآب امیر شیرعلی خان - پادشاهی که در انتظام امور دفتر و دیوان و ترفی عسکرو عمرانات و پیشرفت صنایع در وطن علاقه خاصی داشت - و در سنه ۱۲۸۶ قمری هنگامی که به انباله تشریف می بردند این فو تو گرفتار شده است - خودش در وسط یر کرسی نشسته و شهزاد عبدالله جان و لیمه پسر هفت ساله اش در آغوش او پیا ایستاده و چند نفر امنای دولت آنصر درین فو تو (که اسماء ایشان دریاورقی صفحه ۳۴ رساله دیوان اعلی نگارش یافته است) بصورت مجموعی دیده میشوند و اشخاص موصوف کسانی بودند که در امور ملکی و عسکری عصر شهریار موصوف خدمات قابل قدری را انجام داده اند - علیست شیر خند و امیر شیرعلی      کسی که نائب شیران بود چو شیردل است



(۳۵)

نیز در جمله اعظم د ربار آنوقت بهمر کابی امیر مو صوف از میرزا محمد حسین خان مذکور نام بر ده شده و درین رسال قید است :

بعد از آنها میرزا محمد محسن خان ماقب به دبیر الملک بود و آنها با معاشرت با مور مجا سبات مملکت در رأس عدّه منشی ها حیثیت سر منشی حضور را در ا مروز داشت که گاهی با مور مجا سبات دولت و اداره انشاء بمنزله مستوفی الملک و اغلب وقت وظیفه دار د فتر انشاء حضور یعنی دارالتحریر شاهی آنوقت بود .

میرزا محمد محسن خان دبیر الملک با وصفی که نویسنده با کفایت و به لقب دبیر الملک (۱) سرافراز بود طبع شیر هم داشت (۲) و تاریخ وفات امیر کبیر

بقیه باورقی صفحه ۳۴

روایتهای بزرگ عصر سلطنت اعلیحضرت امیر شیر علی خان مرحوم است که تا حال بنام شیر پور یاد میشود و نگارنده بفرض ایضاح و اعلام یک خاطره بزرگ تاریخی و معرفی چند نفر اکابر در بار اعلیحضرت امیر شیر علی خان مرحوم درین رساله پرداختم .

(۱) لقب دبیر الملک را در تاریخ کشور ایران بعضاً بنام منشی الملک یاد کرده اند مثلاً میرزا مهدی استرآبادی انشاء پرداز معروف و معاصر نادر شاه انشار را که بنوشتن تاریخ جهانکشی نادری و دره نادره متعلق حیات نا در انشار از طرف شاه مذکور مکلف و به لقب ذکی ملقب شده بود نام او را در چندم آخذ مکرر با صفت منشی الملک ملاحظه کردیم ازین لقب معلوم شد که سر منشی های زبده حضور سلاطین ملوک همجوار در ادوار ماقبل بنام منشی الملک نیز یاد شده اند و لقب منشی باشی عصر سلاطین سدوزائی و دبیر الملک عصر سلاطین محمد زائی افغانستان معنأ باهم مطابقت کلی دارند .

(۲) فس خاتم اعلیحضرت امیر شیر علی خان نیز به دبیر الملک میرزا محسن خان منسوب است ولی این حقیقت واضح نیست مگر اغلب گمان میرود که اثر آن باشد فس خاتم امیر شیر علی خان مرحوم که در سر فرمان ها مهر میکرد اینک :

جمال دولت پابنده قسمت از لیست و سی دوست محمد امیر شیر علیست

(۳۶)

اعلیٰ حضرت دوست محمد خان که در ذیل گفتار پر داخته میشود زاده طبع  
اوست که بدون اغراق شاعرانه انشاد کرده است :

مهری به برج سلطنت ای دوستان گرفت

کز حسرت فروغ جمالش جهان گرفت

شمعی خموش گشت که دود مصیبتش

شد آتش غم و به همه دو دمان گرفت

شد خسروی ز دهر که دا تم بما تمش

بیر و جوان فرقه افغان فغان گرفت

یعنی امیر دوست محمد که تیغ او

خویشیدسان گران جهان تا گران گرفت

از بس که مهر بان به عزیزان خویش بود

توان به خامه معنی و تفسیر آن گرفت

ره آنچنان گرفت بخورد و بزرگ خویش

کش یک بزرگ خورده بهاری توان گرفت

هرگز به عمر خویش ز کس دلگرا نشد

با آنکه هر که هر چه بروسر گران گفت

در عهد او به مهر اما نیست غنوده خلق

ز انسان که از زمانه زمین صدضمان گرفت

ره را چنان زرهزن ناپاک بساخت

کز دزد مزد بدرقه کارو آن گرفت

(۳۷)

تسخیر کرد خلق جهان را به حسن خلق  
آری بحسن خلق جهان میتوان گرفت  
قاپای او نهاد قدم بر سر بر حکم  
دستش کلاه سروری از سروران گرفت  
نگرفت کسی بد هر عثمان عزیمتش  
غیر از اجل که آخر عمرش عثمان گرفت  
حکم آنچنان نمود که کملک فراستش  
انگشت بر عدالت نوشیر و آن گرفت  
کهسان و قار او بهری لشکر او فکند  
از جنب ملک میمنه تا کو هسان گرفت  
بنمود فتح شهر هرات و بنیاد جان  
مردانه وار شهر هری را بجان گرفت  
محسن سوال کرد زبیر خرد که آه  
تاریخ فوت این شه غازی چسان گرفت  
حوری سراز جنان بدر آورد در جواب  
گفت از [امیر جاهد غازی] توان گرفت  
سه فریکه در تحت اثر میرزا محمد محسن خان دبیر الملک بنام میرزا  
و منشی بیشتر از دگر همقطاران شهرت داشتند اول میرزا احمد خان  
نوت : چون عدد امیر جاهد غازی بحساب جمل ۱۲۸۲ میشود و عدد جیم که سه است  
از سر جنان بدر آورده شود ۱۲۷۹ باقی میباشد که سال فوت شهریار موصوف است.

(۳۸)

ود گری میرزا احد خان و د گری میرزا سیف الدین خان منشی [۱]  
 ود گری منشی اما مالد بن خان و د گری میرزا محمد رضا خان بود  
 که از عهد امیر کبیر تا اینوقت درجمله نویسندگان آن عصر شهرت داشتند:

نوت: در سال ۱۲۷۸ قمری جن مراجهت اعلیحضرت امیردوست محمدخان از جلال آباد بکابل  
 وقتی سردار محمد حسین را بهزارهجات که نبول و جا بکبر سردار محمداسلم خان برادرش  
 بود مامور فرمود میرزا عبدالعزیز خان نواده میرزا عبدالغفار خان را که در دولت  
 نادرشاه افشار منصب استقیا دیوان اعلی داشت بصف منشی او مقرر ساخت و اموردیوانی  
 آنجا را نیز بر عهده وی گذاشت و امر کرد معزی الیه بالشکر در موضع لعل که قریب مضافات  
 مرات است رفته توقف ورزد تا اگر در هرات کار شود رهسپار آن دیار گردد.

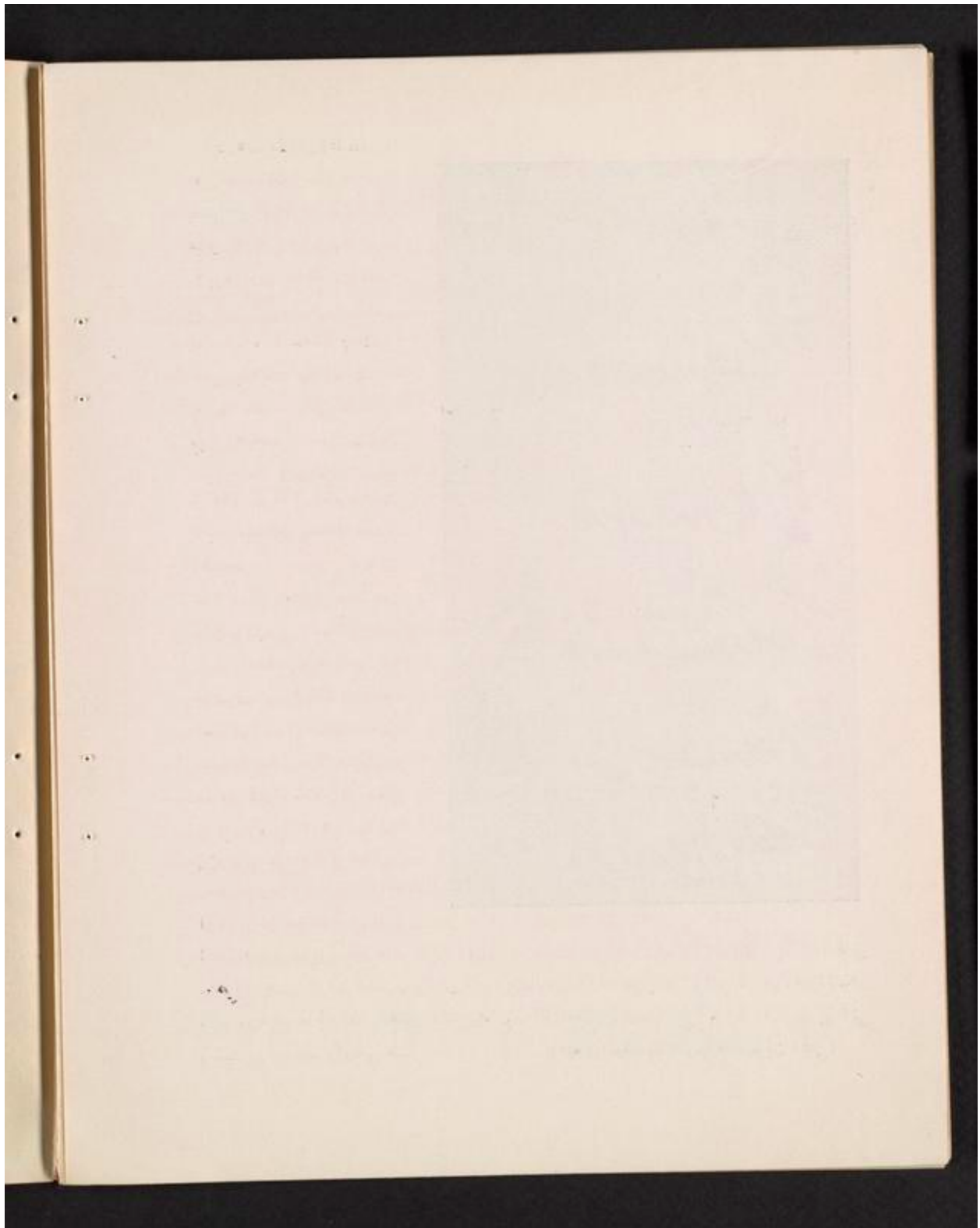
(س ۲۴۱ سراج التواریخ)

مفصل این مجمل آنکه پس از قتل نادرشاه افشار ترکمان در ۱۱۶۰ قمری نظر  
 باختلال و نفاق که بین مردم ایران رونما شد يك عده نویسندگان مردم فارسی آنجا  
 در اوقاتی که اعلیحضرت احمد شاه درانی برار بکته جها تباری متمکن بود و حسن نیت  
 و عدالت او در همه دیار اشتها داشت در شهر قندهار بشرف خدمت شهنشاه افغان پیوستند  
 و شاه درانی در مهاجر نوازی و اسلام دوستی و رأفت که از اکثر سلاطین سبقت بسته بود  
 نویسندگان ایرانی را در قندهار حمایت کرد و نویسندگان ایرانی باعتبار مراحم  
 شاه درانی که در حیات او کافه نام بوجودش اتکا داشت خواستار شدند تا ایشانرا  
 بشمول خدمت درد دیوان اعلی مملکت امر سر افزای بخشند با آنکه تعداد نویسندگان  
 در خود مردم افغان زیاد بود شاه درانی از روی تفقد خدمت آنها را پذیرفت و از آن  
 جمله نویسندگان ایرانی که بدو پذیرفته شدند میرزاهاشم خان (پدر میرزا اعوض  
 و میرزا عنبرین) مهر علی خان خزینه منشی هادی خان علی رضا خان میرزا عبدالغفار خان  
 امان الله خان و چند نفر دیگر بودند و میرزا عبدالغفار خان را که نواده اش میرزا عبدالعزیز  
 نام داشت ثابت میشود که از آغاز سلطنت درانی درد دیوان اعلی و بنا استقیا معالک معروسه  
 بطور ارثی شامل خدمت بوده اند و این چند نفر دیگر مثل محمد عطا خان میرصافی الله خان  
 محسن خان میرزا خان میرزا کلان خان از کابل در قندهار رفته بودند و در سلک نویسندگان  
 دیوان اعلی شاهی شرف ملازمت حاصل کرده بودند چنانچه میرزا رجب علی میرزا



در عصر سلطنت اعلیحضرت  
 میر محمد افضل خان مرحوم  
 بمضی امور وزارت مالیه که  
 عبادت از امر معافی مالیات  
 و برقراری معاشات اعضاء  
 در بار آتوق میبود شخص  
 پادشاه با حکام متعلق  
 می پرداخت چنانچه این یک  
 بارچه خط دیوانی که به  
 مهر اعلیحضرت موصوف  
 معهور است و در مقابل صفحه  
 زنگو کراف شده است  
 ثابت میکند که از حضور  
 اعلیحضرت مدد و ح بعنوان  
 حواله دار املاک محمد عمر  
 خان فوفلانی (جد نگارنده  
 که از اعضاء دربار شهریار  
 موصوف بود) نگاشته شده  
 است حواله دار املاک شخصی  
 میبود که معاش سالانه خود را  
 بحاصل امر نامه دیوان اعلی  
 از فرد زمین داران حاصل  
 میکرد و زمین داری که خود  
 رسمیت میداشت و یا مالیات  
 اراضی او معاف و مرفوع

القلم میبود معرفی خط مامورین دولت بر حسب امر پادشاه و یا مقصدی بزرگت دفاتر  
 حکومت عصر بعنوان شخص دیگری از زمین داران ارقام می یافت و این از شواهد اقتدار  
 مقام وزارت مالیه در اعصار گذشته بود که شخص پادشاه نیز پیاره امور دیوانی  
 و حسابی مملکت و ارس میگرد. (متعلق صفحه ۳۸ رساله دیوان اعلی)



(۳۹)

## عصر سلطنت اعلیٰ حضرت

امیر شیر علی خان

در عصر سلطنت اعلیٰ حضرت امیر شیر علی خان و امیر محمد افضل خان و امیر محمد اعظم خان که در آوان سلطنت اعلیٰ حضرت امیر شیر علی خان مرحوم هر يك مدت کمی با خذ سریر سلطنت نائل شده بودند [تشکیل دیوان اعلیٰ وزارت مالیه به همان ترتیب و اصطلاح قدیم یاد میشد ولی نویسندگان مقتدری که بحیث وزیر مالیه بنام های مستوفی الممالک یاد شده اند اولاً شخص میرزا محمد حسین خان [سرمنشی] بود که به لقب دبیر المملک یاد شده است و بعد از حیات اعلیٰ حضرت دوست محمد خان به همان منصب قدیم خود ادامه داد و شخص دیگری که در عصر سلطنت امیر شیر علی خان بشهرت مستوفی الممالک متصدی وزارت مالیه آن عصر [۲] از همه معاصرین مشهور و متمایز بود میرزا حبیب الله خان ورد کی بود که در زبان زد عوام

بقیه حاشه صفحه ۳۸

محمد اکبر - میرزا عبدالهادی - میرزا جلال میرزا عوض میرزا اعلیٰ محمد - میرزا عبدالرحیم - میرزا مهدی - میرزا محمد کریم - میرزا عنبرین که از مستوفیان و منشیان معاصر سلطنت اعلیٰ حضرت شاه زمان و اعلیٰ حضرت شاه محمود و اعلیٰ حضرت شاه شجاع انداز خاندانهای همین چند نفر اند که در عهد اعلیٰ حضرت احمد شاه کبیر از اسماء پدران ایشان نام بردیم .  
(۱) میرزا سیف الدین خان مؤلف اثر قیمتداری است که بنام (مجموعه منشآت اکثر منشیان مشهور زیبا رقم) در عصر اعلیٰ حضرت امیر شیر علی خان تالیف کرده و اثر ایشان در کتا بخانه شاهی کابل محفوظ است . (۲) معادل صدر اعظم در عصر حاضر .

(۴۰)

نواحی چهل تن بغمغان را تا حال بنام [دره مستوفی] یاد می کنند و آن شخص خیلی مدبر و کاردان و در عصر خود لائانی بود و حکومت عصر زمام امور وزارت مالیه [استیفاً ممالک محروسه] را در کف با کفایت اوفوض داشت .

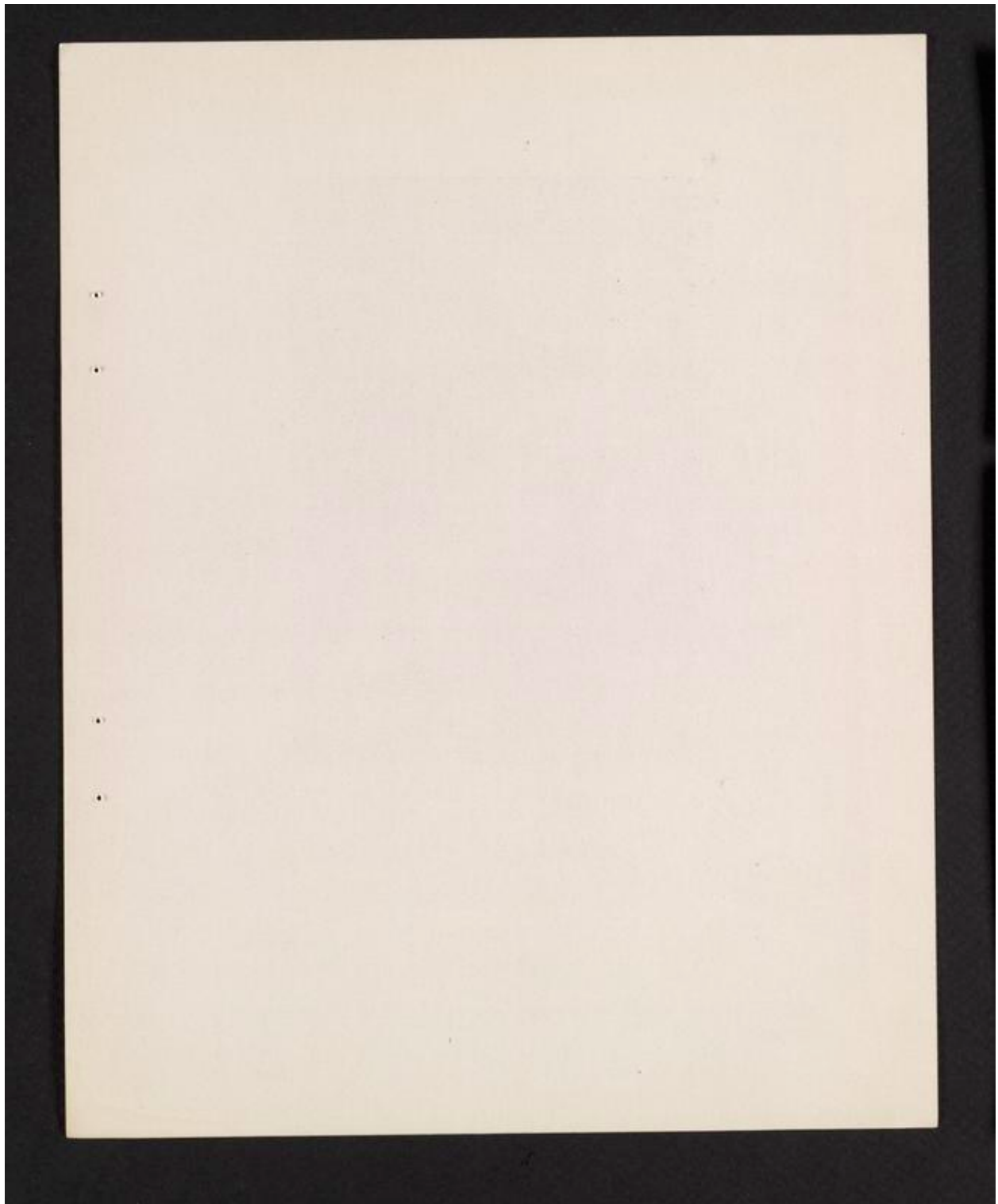
و قتی که میرزا حبیب الله خان مستوفی الممالک از حضور اعلیحضرت امیر شیر علی خان بنائب الحکومتی هرات اعزام شد این وظیفه به سید نور محمد شاه فوشنجی قندهاری تعلق گرفت که سید موصوف از تاریخ جشن ولیمهدی شهزاده عبدالله جان از سنه ۱۲۸۹ قمری بر تبه صدر اعظم برگزیده شده بود .

و قتی که سید نور محمد شاه خان فوشنجی زمام اختیار استیفاً ممالک را بعنوان صدر اعظم در کف اقتدار خویش گرفت میرزا حبیب الله خان مستوفی الممالک بنائب الحکومتی هرات اعزام گردید و نامبرده تقریباً چهار سال بحکومت هرات بحیث نائب الحکومه قیام داشت .

در سنه ۱۲۹۳ قمری که اعلیحضرت امیر شیر علی خان از پراگندگی و منتشر شدن اوراق دفتر و دیوان از میل نویسنده گان دزد باطن ظاهر اصلاح خلل های بزرگی مشاهده کرد میرزا حبیب الله خان را از هرات جهت تقشیر و تنظیم امور دیوان اعلی مملکت در کابل بخواست . در حال وصول میرزا حبیب الله خان مستوفی الممالک مکتوب لارد ایستین اسکلیس حکمران کشور هند بحضور اعلیحضرت امیر شیر علی خان در کابل بر رسید . اعلیحضرت امیر شیر علی خان سید نور محمد شاه خان صدر اعظم را که تا آنوقت عهده



جناب میرزا حبیب اللہ خان (قوم وردک) مستوفی الممالک عصر  
سلطنت اعلیٰ حضرت امیر شیر علی خان مرحوم یکی از نویسندگان  
برجستہ و مشہور آن عصر کہ در صفت نویسندگی و سیاست مملکت  
داری شخص لائانی بود چنانچہ حضرت علامہ استاد محمود بیگ خان  
طرزی تصویر او را در سراج الاخبار افغانی بنام یادگار های  
تاریخی درج کرده اند (متعلق صفحہ ۴۰ رسالہ دیوان اعلیٰ)



(۴۱)

استیفاً ممالك را بنام صدراعظم بر ذمت خویش داشت بحیث قماينده نيزد  
 حکمران کشور هند فرستاد و قتيکه سيد نور محمد شاه خان صدراعظم با هيئت  
 معيتی عازم پشاور شد در راه جلال آباد از قضای الهی فوت کرد و بد  
 و در قبرستان موسوم به جبه دفنش کردند - نام سيد نور محمد شاه خان  
 صدراعظم با آفسکه در افواه خلق چندان مشهور نيست ولی اعلیحضرت  
 امير شير علی خان مرحوم در اخبار شمس النهار [۱] از ان صدراعظم خویش  
 اسم برده است و همچنان در يك پارچه خط که به مهر اعلیحضرت  
 امير شير علی خان مهور و به عنوان جد امجد سردار محمد عمر خان  
 [عمر] نگاشته شده است از ثبوت اسم و رتبه صدارت سيد موصوف  
 بخوبی شهادت میدهد غرض اينکه وظیفه شخص صدراعظم آنوقت عين همان  
 وظیفه استیفاً ممالك است که قبل از سلطنت اعلیحضرت ضياء الملة والدين  
 امير عبدالرحمن خان به اشخاص مذکور تعلق گرفته بود و شخص ديگری  
 که در عهد سلطنت اعلیحضرت امير شير علی خان باین رتبه احراز موقع  
 نمود ميرزا محمد حسن خان دبیر اسبق بود که در جشن وليعهدی شهزاده  
 عبداللہ جان مکرر به لقب دبیر ملقب شد و اخيراً به رتبه يککنفر  
 هستوفي مقتدر در دیوان اعلی مملکت حق عضویت پیدا کرد و در  
 سنه ۱۲۸۸ قمری و قبل از اشغال مقام صدارت که سپس به آن رتبه جليله

(۱) شمس النهار اولين اخباری است که در عصر سلطنت اعلیحضرت امير شير علی خان  
 مرحوم تحت نظارت شاه موصوف و نگارنده کی مولوی نور محمد قام در الاحصار  
 کابل به چاپ سنگ انتشار می یافت و کنکسیون آن اخبار در کابل نزد بعض اشخاص  
 دانش دوست موجود است ولی به ندرت پیدا میشود .

(۴۲)

فائل شده بود (۱) حسب الامر اعلی حضرت امیر شیرعلی خان معیت جنرال پالک  
انسکلیس از کابل جهت تحدید حدود بطرف سیستان و بلوچستان را با دولت ایران جهت  
نیکارش توثیق آن در طهران رفته و از راه بمبئی وارد کابل گردید  
[ ۲ ] در خلال احوال مذکور میرزا حبیب الله خان مستوفی الممالک  
[ که در حال اعزام سید نور محمد شاه خان فوشنجی صدر اعظم بصوب پشاور ]  
از هرات وارد کابل گردید درین وقت که سید موصوف برحمت ایزدی  
پیوست بعوض صدر اعظم متوفی بوظیفه سفارت آن که از پیش رقم شد تعیین  
ور هر گزای صوب پشاور گردید پس از انجام کار سفارت و وظیفه استیفا  
ممالک را بار دیگر اشغال کرد و با امور دیوان اعلی [ وزارت مالیه عصر ]  
رسیدگی نمود .

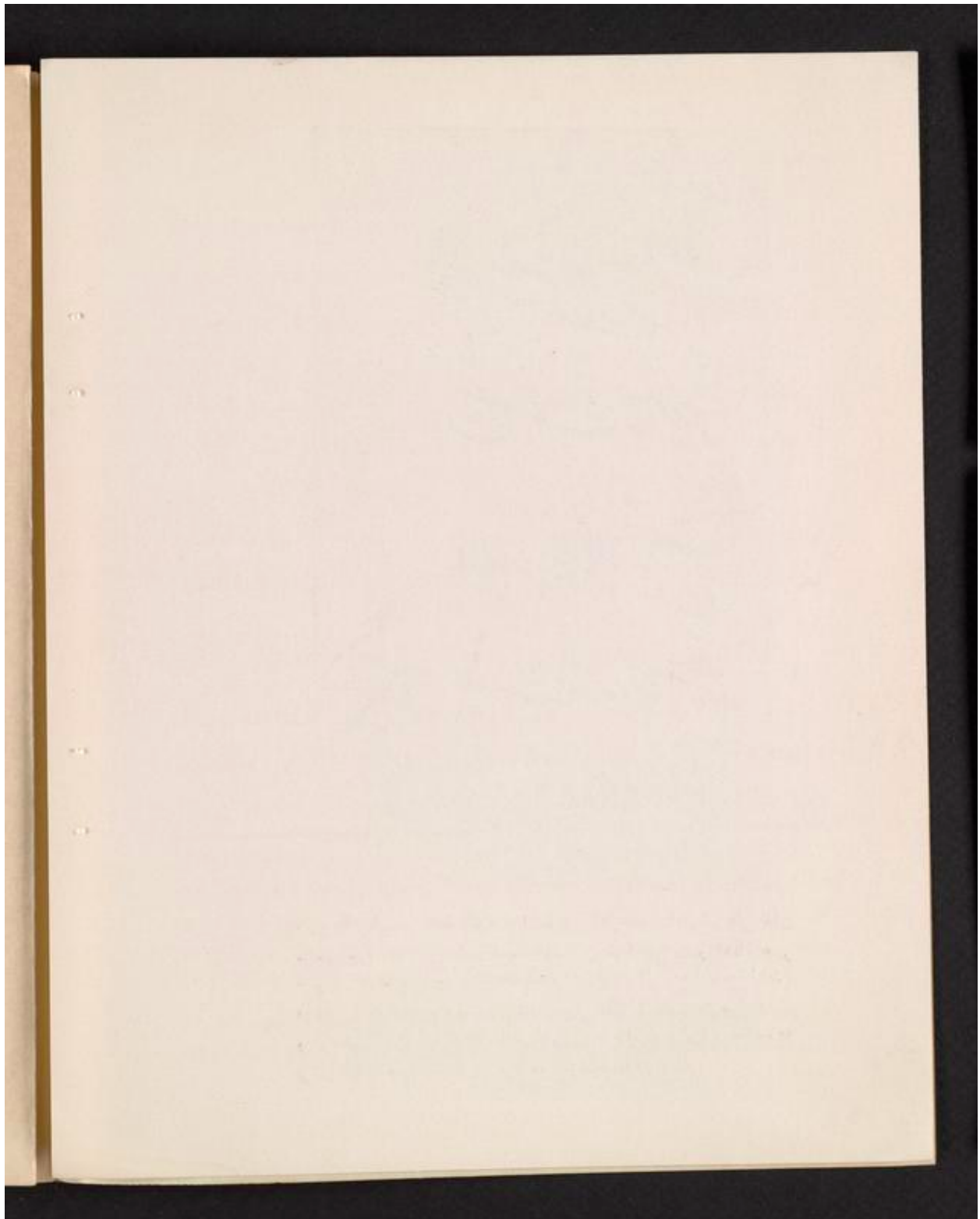
بکسی از حکمایات میرزا حبیب الله خان مستوفی الممالک این که

در سنه ۱۲۹۵ قمری که شهزاده عبدالله جان وایعهد فرزند اعلی حضرت  
امیر شیرعلی خان فوت شده بود در حال تعزیه داری در همان روز

(۱) شخص میرزا محسن دبیر الملک عصر اعلی حضرت امیر دوست محمد خان که  
مکرر در جشن وایعهدی شهزاده عبد الله جان به لقب دبیر ملقب میشود معلوم است که  
قبل ازین عهده بر وظیفه دیگری موطف بود ولی در تاریخ مملکت این قسمت خوبتر  
واضح نیست در همه حال چون شخص با کفایت بود اخیراً برتبه جلیله صدر اعظم نیز  
فائل شد .

(۲) از متن نکارش معلوم میشود که وظیفه وزیر خارجه و سفراء کبار در سلطنت  
های گذشته توسط مستوفی الممالک و دبیران داشتند اجرا میکردند و این خدمات ایشان  
علاوه بر خدمات حربی و اداری آنها بود .

این یک بار چه خط کوچک از حضور اعلی حضرت امیر شیرعلی خان  
 مرحوم جهت معاش سید نور محمد شاه خان فوشنجی صدر اعظم عصر  
 شهریار موصوف باسم جناب محمد عمر خان فوفزائی (مباشراً مالیات)  
 ارقام یافته است و در قید رفعات خطی نکات رنده موجود است  
 و باوصفی که ازین گونه اسناد خطی زیاد داریم ولی این حکمتنامه  
 برای اثبات عنوان صدارت سید موصوف قیمتدار است.



(۴۳)

مکتوبی از طرف انگلیسان در کابل مواصلت کرد با وصفی که کار  
ضوری بود ولی هیچ يك از ارکان بزرگ سلطنت بتقدیم مکتوب مذکور  
نظر به حزن و اندوه خاطر اعلیحضرت امیر شیرعلی خان از سبب فوت  
فرزند دلبندش شهزاده عبد الله جان احدی مبادرت نمی ورزید تا مکتوب  
را از حضور شاه گذارش دهد. میرزا حبیب الله خان مستوفی الممالک نظر  
به اقتدار خویش حضار مجلس فاتحه را در کنار کرد و نامه انگلیسان  
را از حضور امیر شیرعلی خان مرحوم گذارش داده و جواب انگلیسان را  
بعقاب ارسال نمود. در موقع فوت اعلیحضرت امیر شیرعلی خان مرحوم در بلخ  
در ماه صفر ۱۲۹۶ قمری میرزا حبیب الله خان مستوفی الممالک اول نائب  
استلا توف و یکتا کن دادا کتر روسی را به معیت دوسه سوار تحت ادا ره  
محمد حسن خان قزلباش که منصب اجیدنی داشت در شب سوم فوت آن پادشاه  
خلد آرامگاه زود از خاک افغانستان عبور داد. بعداً بعزم اطفای فائده  
شورش افواج تخته پل سیاست قابل قدری بکار برد. چون فائده شورش  
افواج تخته پل خاموش گشت بمعیت سردار محمد هاشم خان و سردار نیک  
محمد خان و سردار ذکریا خان و سردار محمد یعقوب (خان ثم امیر محمد  
یعقوب خان) را پادشاهی افغانستان برگزیدند و مستوفی الممالک مرحوم  
در عهد سلطنت امیر محمد یعقوب خان نزد انگلیس ها بطور نماینده  
در (خوشی) فرستاده شد. تا زمان اعلیحضرت امیر محمد یعقوب خان وظیفه  
استیفاء ممالک به میرزا حبیب الله خان و همچنان وظیفه دفتر انشاء

(۴۴)

( دارالتحریر شاہی درعصر حاضر ) میرزا محمد نبی خان واصل و میرزا  
محمد حسن خان دبیر تعلق گرفت (۱)

---

( ۱ ) اسماء چند نفر میرزا و منشی عصر اعلی حضرت امیر شیر علی خان مرحوم کہ  
الی عصر سلطنت اعلی حضرت ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان در رقعات خطی  
ملاحظہ شد عبارت ازین چند نفر است کہ سواى مستوفی ها و منشی های مشہور آنوقت  
در دیوان استیفا . معاً لك عضویت داشتند :

۱ : میرزا عبد العلی سر دفتر خالصہ جات .

۲ : سلطان علی - محمد مرید - میر محمد عثمان - صفدر علی - اعضاء دیوان استیفا .

۳ : میرزا ظاہر - ہرجی مل زیر دستان فرنگ داس .

(۴۵)

## عصر سلطنت اعلیٰ حضرت

ضیاء الملة والدين

✓ در عهد سلطنت اعلیٰ حضرت ضیاء الملة و الدین امیر عبدالرحمن خان  
 میرزا محمد نبی خان و اصل [بحیث سردبیر [سرمنشی] کما فی السابق  
 بعهدہ خود پسندیده آمد و منزل سردار عنایت اللہ خان معین السلطنہ صاحب  
 مرحوم [کہ چندی قبل ریاست مستقل مطبوعات آنرا اشغال کرده بود]  
 بنام سرای دبیر کہ ہمین میرزا محمد نبی خان و اصل بود شهرت داشت  
 این سرای نشیمن کما میرزا محمد نبی خان دبیر الملک بود کہ در زبان  
 دری دیوان مکملی در اشعار تصنیف کرده است و این دو مطلع ذیل از  
 اشعار موصوف فی الموقع نگاشته میشود:  
 بیا ای از دهان نوش خندت حل مشکلمها

لبی چون غنچه خندان سازو بکش عقده از دلها

مطلع دیگر

ساقیا فصل گل آمد می کلفام تو کہ

آب تو آتش تو بختہ تو خام تو کسو

بقول میرزا محمد ناصر خان خوش نویس [اسبق منشی حضور اعلیٰ حضرت  
 سراج الملة و الدین امیر حبیب اللہ خان شہید] کہ خواہر زادہ و اصل  
 مرحوم بود حدایت میکرد کہ شخص و اصل خیلی بد چہرہ و کوتہ قد ولی  
 تمد مزاج و خبیر بود و شبہہ ای نیست کہ و اصل و میرزا عبدالرشید خان منشی  
 در عصر نزدیک در فن خود ہالائافی و خیلی سیاست مدار بودند .

(۴۶)

پس از فوت میرزا حبیب‌الله خان مستوفی الممالک (از عصر اعلیحضرت  
امیر شیرعلی خان نایب‌وقت) عهده بزرگ امور اداری کشور و بالا تر  
از همه کارپردازان دولت که آمریت امور دیوانی را از حیث وظیفه به  
مستوفی الممالک باید تطبیق کرد در عصر سلطنت ضیاء الملة والدين سردار  
نصرالله خان دو هین فرزند آن شاه خلد آرامگاه تعلق گرفت و در عصر  
سلطنت پدرش ضیاء الملة والدين در رأس همه مستوفیان و کارپردازان  
مملکت نظارت داشت زیرا که شخص اعلیحضرت ضیاء الملة والدين هم  
بامور سیاسی داخلی مملکت و هم بروظائف دول خارجه مصروفیت داشت و سردار  
حبیب‌الله خان (ثم اعلیحضرت سراج الملة والدين امیر حبیب‌الله خان)  
بر وظائف عسکری عصر می پرداختند از آن اشخاص که تحت اثر سردار  
نصرالله خان) قائم مقام مستوفی الممالک یا وزیر مالیه) بروظائف دیوانی  
مملکت در انحال حق آمریت برد گران داشت اول میرزا میر محمد حسین  
خان و بعد نرنجن داس وزیر دستان آن میرزا محمد ظاهر و هر جی مل  
هندو بودند و از دسته منشیان زبده که بعضاً ارتباط خاص بامور دیوان  
مالیه داشتند بالمراتب تحت اثر سردار نصرالله خان (ثم نائب السلطنه) بر  
وظائف مقررہ حسن خدمت بجا میسر کردند .

مستوفی‌های بلاد را در آن وقت غالباً سر رشته دار مینامیدند و اشخاص  
دیسکری بنام سربولک و یا بولک دار و سارجن مہجر و سردفتر و امثال آن  
که تحت اثر مستوفی الممالک در اطراف مملکت قرار داشتند کسانی بودند  
که در عصر سلاطین سدوزائی معادل آنها را عمال و ضباط و مستاجر

(۷۲)

مالیات یاد کرده اند ولی عنوان مستوفی الممالک بطور مستقل هانند  
ادوار گذشته بمیرزا میر محمد حسین خان ویا تر نجن هندو ار تباط  
نداشت و شخص سر دار نصر الله خان که زمامدار بزرگ امور دفتری عصر  
بود قد جناب ایشان نیز عنوان استیفاء ممالک ندا شتمند و محض زمام  
اختیار بطور اعزازی و افتخاری بکف اقتدار آن شهزاده نامدار از طرف  
اعلیحضرت ضیاء الملة والدین سپرده شده بود شخص دیگری که در امور  
دیوان و دفتر عصر سلطنت اعلیحضرت ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن  
خان شهرت دفتر داری داشت ملک اصغر خان مرحوم ساکن ده افغانان  
بود که با شهرت «ملک» خدمات زیادی را انجام داده و در اوقات طولانی  
با صلاحیت کامل و به صداقت خدمت کرده است.

(۴۸)

## عصر سلطنت اعلیٰ حضرت

سراج الملة والدين امير حبيب الله خان شهيد

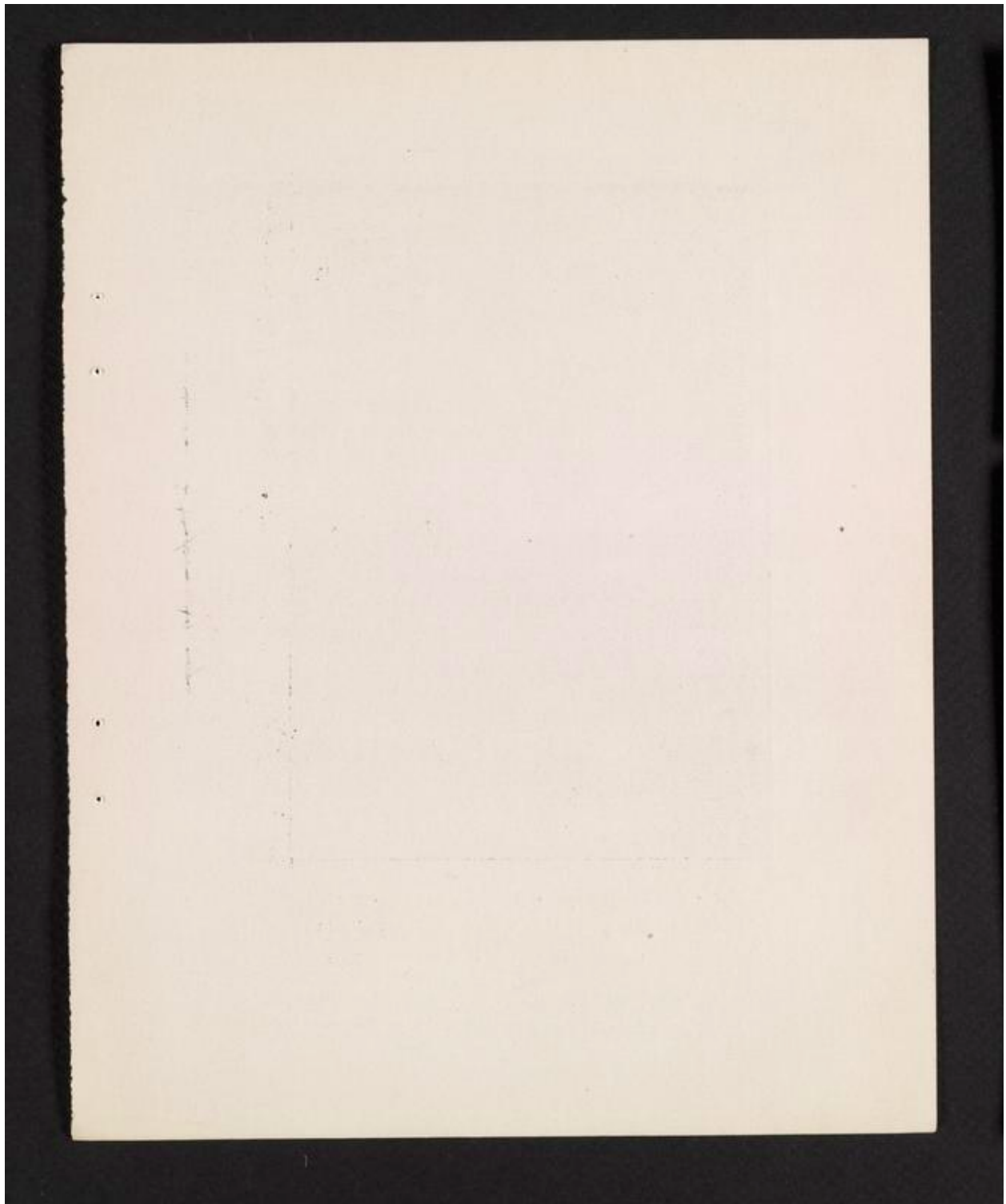
در عصر سلطنت سراج الملة والدين امير حبيب الله خان شهيد اين عهده  
بزرگ استيفاء ممالك در اواسط سلطنت آن شاه خلد آراء امكان  
بميرزا محمد حسين خان ملقب به مستوفی الممالك تعلق گرفت که موصوف  
قبلاً در عصر ضياء الملة والدين امير عبدالرحمن خان کوتوال و برکد  
وسر دفتر محاسبات دولتی و درین وقت (سراج الملة والدين) برتبه نائب سالار  
ملکی و نظامي و خانی سمت شمالی سرافرا شد و پس از شخص  
نائب السلطنة افخم جناب سردار نصرالله خان مرحوم در تمام بلاد کشور  
حق فرمان روائی داشت و آخرین شخصیکه سلسله خدمات گذشتهگان را  
از حیث اسم و عهده داری دیوان اعلیٰ (وزارت مالیه) در مملکت  
اقغانستان قائم داشت همین شخص میرزا محمد حسین خان مرحوم بود  
که مسکن مالوف اوسید خیل کوه دامن از عشیره صافی می باشد و در ماه  
حمل ۱۲۹۸ شمسی مطابق ماه رجب ۱۳۳۷ قمری در اثر اشتباهی  
باهر اعلیٰ حضرت امان الله خان شاه مخلوع در کابل بشهادت رسید و در  
اواخر عمر مرحوم کار پستونهای آزاد نیز بوی تعلق داشت  
جناب ملک الشعراء استاد بیتاب در باره مستوفی الممالك مرحوم  
چه خوش میگوید:

بهشت مسکن مستوفی الممالك باد      که رفت باز نظیرش ازین دیار نخواست  
ازان بزرگ منش سرگروه اهل قلم      نشان اندک اگر هست در خلیلی ماست

دوران اعلیٰ حضرت ۱۲۵۰۰ خلد آراء امكان



جناب میرزا محمد حسین خان مرحوم (قوم صافی) مستوفی  
العمالک و نائب سالار ملکی و نظامی در عصر سعد و تاج  
اعلی حضرت سراج العلی و الدین امیر حبیب الله خان شهید  
و آخرین شخصی که لقب استیقا، ممالک در افغانستان  
بختم عمر او اختتام یافت.



(۴۹)

حاجی نظام الدین خان پندر معتز هم از او صاف مرحوم حکایت می کنند  
که در حال محکوم شدن اعدام در حصه مقتل به کمال جرئت که در سیمای  
او تغییری نبود چنین بیان کرده گفت :

مرا کشتی و تکبیری نکفتی عجب سنگین دلی الله اکبر

پس از سنه ۱۲۹۸ شمسی لقب مستوفی الاما لك - وکیل الرعایا -  
دبیر الاملك - امین الملك - امین الدوله - نظام الملك [۱] و خزانه چی  
و مستاجر مالیات و امثال آن بطور عموم بلفظ وزیر - معین - رئیس -  
مدیر - مامور - سر کاتب - کاتب تبدیل یافت و داروغه مالیات و قاطر  
و همهم چنانچه در قدیم اصطلاح بود به سر رشته دار تبدیل یافت و همچنان  
ضابط مالیات به مامور مالیات تغییر کرد ولی تنها کلمه مستوفی تا هنوز

(۱) در عصر امیر کبیر اعلیحضرت دوست محمد خان لقب نظام الملك و امین الدوله برای  
حکام و رعایای ملی نیز خطاب شده بود مثلاً در سنه ۱۲۶۶ قمری در عهد امارت امیر کبیر  
محمود خان قلم سر ملی - که با اتفاق فتنه جوانان اوزبک به آفجه را متصرف شد آنوقت  
سردار محمد افضل خان نائب الحکومه بلخ به همراهی و معاونت میر حکیم خان شیرغانی و غضنفر خان  
اندخوشی محمود خان را مغلوب و دستگیر کرده و به مکافات کردارش بقتل رسانید .  
و قتیکه سردار محمد افضل خان مرده فتح آفجه را از تصرف محمود خان و مقتول  
شدن وی بحضور پدرش امیر کبیر در کابل معروض داشت در ذیل مع صه مرده فتح  
از یاری و صداقت میر حکیم خان و غضنفر خان نیز یاد دهانی نمود - امیر کبیر در اثر  
پیشنهاد سردار محمد افضل خان پسر خود بجائز خدمت میران مذکور فرمان حکومت  
شیرغان را با لقب نظام الملك بنام میر حکیم خان اعطا فرمود و فرمان حکومت  
انداخوی را با لقب امین الدوله اسمی میر غضنفر خان از دار السلطنه کابل امر اصدار  
بخشید و علاوه از حضور خود سبع مهر غضنفر خان را بدین بیت آراسته و در ترکستان  
برای مزید افتخارش امر ارسال عنایت کرد :

ز لطافت امیر دادگستر امین الدوله شد میر غضنفر

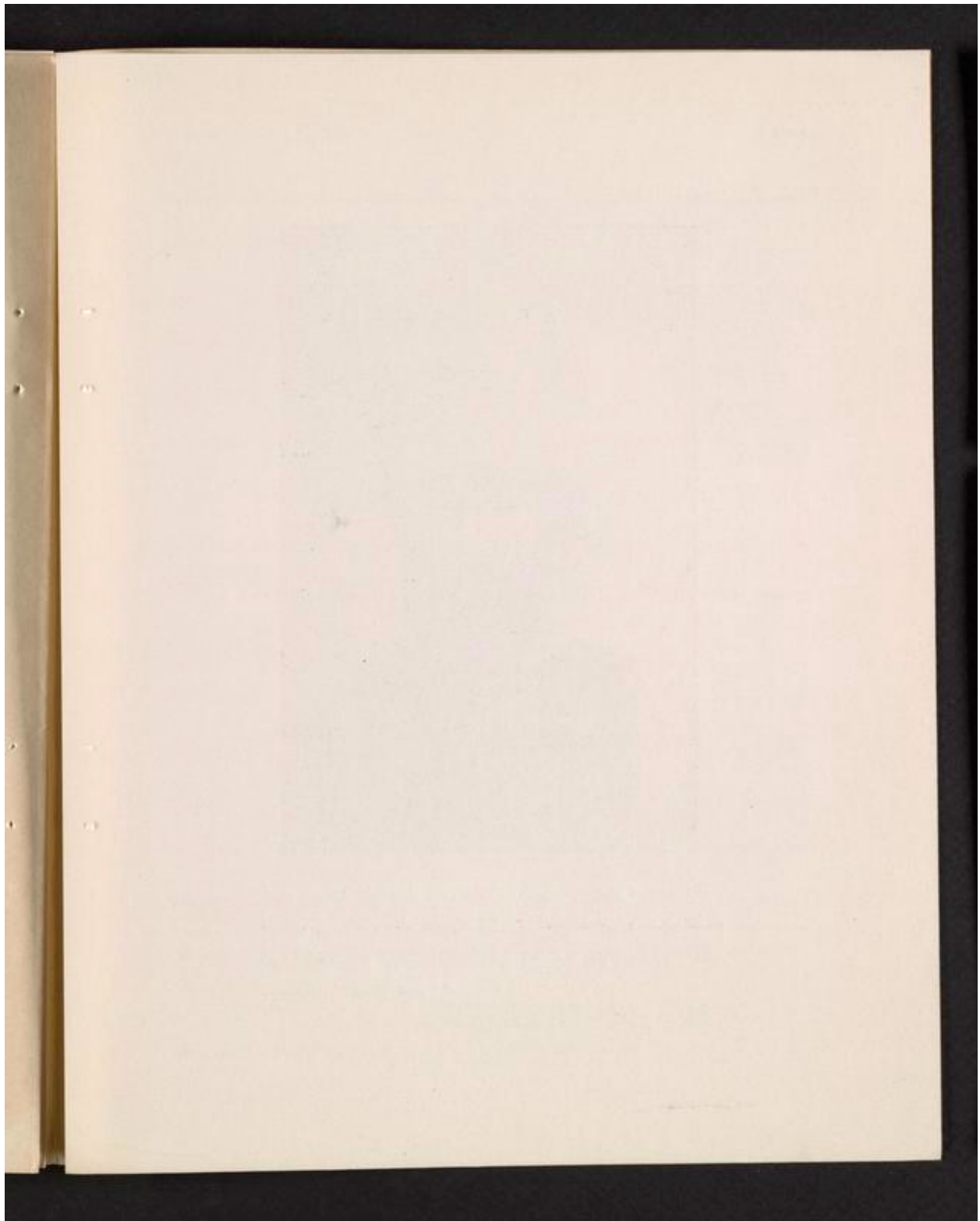
(۵۰)

در مملکت عزیز حمایت شده است مگر حیثیت مستوفی هادر امروز  
به تناسب اقتدار مستوفی های ادوار گذشته مطابق نیست بطوری که  
مطالعه کردیم مستوفی الممالك تقريباً و بلکه عیناً صدر اعظم در عصر  
حاضر و مستوفی معادل وزیر نفوذ و اقتدار داشت و قیرا ری که ملاحظه  
کردیم بین صدر اعظم و مستوفی الممالك در اعصار گذشته چه دوايران  
و چه در افغانستان فرقی نبود ولی بار صفتی که در عهد سلطنت اعلیحضرت  
امیر حبیب الله خان شهید عنوان های دیگری مانند اعتماد الدوله  
دا را لعدالت [وزارت عدلیه] و ایشیک اقاسی نظامی و ایشیک اقاسی  
ملکی و ایشیک اقاسی خارجه و هكذا نایب سالار و امین نظام و امثال  
آن علاوه شد مگر عهده استیفاء ممالك را نتوانستند از بین ببرند زیرا آن  
شعبه بزرگ بپاداشتن وظیفه معین مثل وزارت مالیه - تجارت - کمرک  
امروز تقريباً به دیوان اعلی [عصر سدوزائی] شباهت میرساند و بدلائلی  
که ذکر شد مقام و نفوذ خود را تا این او آخر حفاظت کرد و حتی گویند که  
میرزا محمد حسین خان مستوفی الممالك بعدی مقتدر بود که بعد از شخص پادشاه  
احدی باین مرتبه در امور ملکی اقتدار نداشت و بلکه اعلیحضرت سراج المله  
والدین بدون همراهی مستوفی در هیچ یک سفر دور و یا نیز دیک حرکت نمیکرد  
و آن حیثیتی که دیوان اعلی و دارنده آن در ادوار گذشته داشت درین  
نزدیکی ها میرزا محمد حسین خان تقريباً شباهت بهم رساند و نفوذ تمام



یکی از نویسندگان لائق و صادق وطن جناب میرزا محمودخان  
فولزائی ولد احمد خان اسبق برگند نظامی و امین نظام  
اولین شخصی که در تشکیل حکومت اما نیه بعنوان وزیر مالیه  
در مملکت شناخته شده اند .

«متعلق صفحه ۵۱ رساله دیوان اعلی»



(۵۱)

و صلاحیت تام خود را تا این اواخر تسکینانی کرد: [۱] از سنه ۱۲۹۸ شمسی  
 باینطرف در افغانستان در تشکیل حکومت عصر دیوان اعلی و با دیوان  
 مالیه و با استیفاء مالک محروسه بنام وزارت مالیه تبدیل یافت و صلاحیتی  
 که در ادوار گذشته بر تمام امور مملکت داشت از اقتدار داده  
 وزیر مالیه بدرشد مثلاً در پهلوی عنوان وزارت مالیه وزارت خارجیه  
 حسیبیه - داخله - تجارت - زراعت - عدلیه افزود شد و هر وزارت  
 اندازه کار و وظائف خود را رعنداً اقتضاً از وزارت مالیه [اسبق دیوان  
 اعلی مملکت] مجزا ساختند و همه ادارات بسزرگ و کوچک از وزارت  
 مالیه منفک شدند و شکل مستقلی بخود گرفتند که در اصل همه آنها  
 از ارکان وزارت مالیه و متصدیان آن از اعضا آن مقام بشمار میرفتند:  
 در آغاز دوره امالیه تشکیل کابینه چنین بعمل آمد:

- ۱ - سپه سالار [اعلی حضرت غازی محمد نادر شاه شهید] .
- ۲ - وزیر خارجه : مرحوم جناب استاد محمود بیگلر خان طرزی
- ۳ - مرحوم علی احمد خان وزیر داخله .
- ۴ : مرحوم میرزا محمود خان ولد احمد خان قوم فوفلزائی وزیر مالیه .
- ۵ : مرحوم عظیم الله خان صد وزائی وزیر زراعت .
- ۶ : مرحوم غلام محمد خان وزیر تجارت .

[۱] میرزا ابوالقاسم خان نام هم از جمله کبار گذاران دیوان شاهی در عهد سلطنت  
 اعلی حضرت سراج المله والدين بوده اند ولی میرزا ابوالقاسم خان مذکور در جمله  
 نویسندگان و کاربرد ازان عصر سراجیه مانند دیگر شخصیت های اداری و حشابی  
 آنقدر شهرت ندارند .

(۵۲)

۷: مرحوم محمد ابراهیم خان بار کزائی وزیر عدلیه [۱]

از جمله وزراء اول وزارت مالیه در عصر امانیه اول میرزا محمود خان  
فولزائی اسبق امین نظام - درم سیادت پناه میرزا میرهاشم خان دران دوره  
بیشتر شهرت و قدامت داشتند ولی باید گفت که ازین دو تن محض بعنوان  
وزیر مالیه دران عصر نام می بریم نه بنام متصدی [دیوان هما یون اعلی]  
زیرا که وظیفه وزارت مالیه عصر امانیه و عصر حاضر جزء وظایف  
دیوان اعلی در ادوار ما قبل بشمار میرفت و در سابق رجال ملکی بهر دو  
وظیفه ملکی و نظامی و بر جمیع امور کشوری و لشکری حق مشارکت و بر تمام  
مملکت صلاحیت فرمانروائی داشتند [۲] و امر حمل و نقل تمام مملکت که  
قبلاً به دیوان اعلی ارتباط داشت و امر حمل و نقل تحت عنوان واستیفاء  
ممالک بدان رسیدگی میکرد در آغاز دوره امانیه مانند دیگر ادارات  
از وزارت مالیه متفک شده عنوان مستقل [مدیریت عمومی قلیه] بخود گرفت  
و از جمیع امور حمل و نقل افغانستان رسیدگی میکرد و امضاء مدیر عمومی  
نقلیه در تمام نقاط افغانستان برای اجرای او امر حکومتی بمنزله وزیر  
اجراء میکردید. اولین مدیر عمومی نقلیه عصر امانیه نظام الدین خان  
فولزائی [پدر نگارنده] بود و و این اداره نیز در ادوار ما قبل جزء دیوان  
اعلی مملکت بود و در عصر امانیه عنوان مستقل حاصل کرد [۳].

[۱] تشکیل کابینه عصر اعلیه حضرت امان الله خان شاه مغاوع با ستاد صفحه ۱۸۴  
کتاب نادر افغان منطبعة مطبعة عمومی کابل از قام یافت.

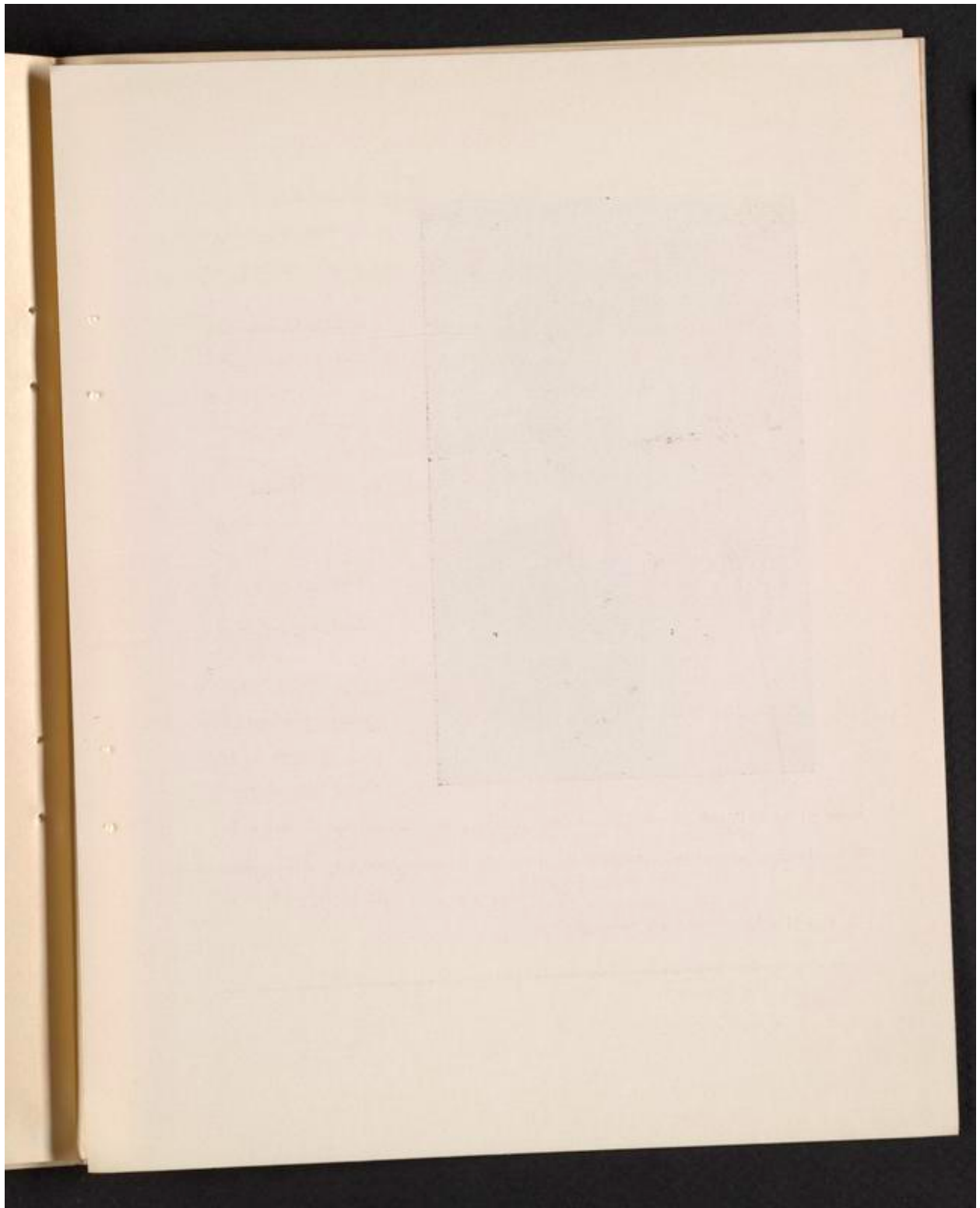
(۲) ورفه یا سیورت را که در قدیم خط زاهداری میگفتند در یک پارچه که نردبند  
موجود است در ظهر کاشانه مهر مستوفی العمالک مهور است و بمهر مستوفی العمالک  
اهتبار یافته است.

(۳) رسمیت و خدمات مدیر عمومی نقلیه نظر با ستاد ایشان که در دست دار نهادت است.



سیادت پشاه جناب  
میرزا میرهاشم خان  
میرحوم یک تن از  
نویسنده گان لائق  
وباکفایت افغانستان  
شخصی که در عصر  
سراج المله والیدین  
امیر حبیب الله خان  
شهید سردار شهنشاه  
دارالسلطنه کابل  
بودند و بعد از جناب  
میرزا محمود خان  
مرحوم در عصر امانیه  
وزیر مالیه در مملکت  
شناخته شده اند و در  
آوان وزارت خویش  
در امور مالی و حسابی  
دولت خدمات قابل  
قدری را انجام

داده اند چنانچه نظامنامه های مالیاتی افغانستان که در عصر امانیه در مطبعه  
سنکی شرکت رفیق بطبع رسیده است همه از یادگار عصر وزارت موصوف است که  
در آوان وزارت ایشان تدوین و ترتیب شده است .  
« متعلق صفحه ۲ رساله دیوان اعلی »



(۵۳)

در برج میزان سنه ۱۳۰۸ شمسی که زمام سلطنت افغانستان برکف  
با کفایت اعلیحضرت محمدنادرشاه مبرور قرار گرفت. معظم له در قسمت  
تشکیل اساسی سلطنت شاهی افغانستان و توسیع ادارات کشوری پیش از پیش  
کوشیدند که از آن جمله وزارت مالیه در قطار سائر وزارت ها مقام  
خود را که از نقطه نظر امور مالی و حسابی در مملکت حق اولیث دارد  
با تشبیط شعبات و وظائف مربوطه خویش کوشید و در پهلوی وزارت مالیه  
علاوه برد کر وزارت تهاتر که در عصر سلطنت شاه مخلوع اعلیحضرت  
امان الله خان ایجاد شده بود وزارت مخابرات - معادن - فوائد عامه نیز  
بوجود آمد و بالا آخر وزارت تجارت بفتحان وزارت اقتصاد مبدل گردید  
و شخصیکه در ابتدای سلطنت اعلیحضرت غازی محمد قادر شاه شهید زمام  
امور این وزارت را بدست گرفت اول میرزا محمد ایوب خان بود  
[که بعد از حیات جناب میرزا میر هاشم خان آقا آخرین وزیر مالیه عصر  
سلطنت اعلیحضرت امان الله خان در ختم دوره انقلاب وفات یافتند در رأس  
وزارت مالیه قرار داشتند و سپس میرزا محمد خان یفتلی بحیث وزیر تجارت  
و وکیل وزارت مالیه شناخته شدند و میرزا محمد خان یفتلی مدت مدیدی از عصر  
سلطنت اعلیحضرت شهید الی نیمه دوره درخشان ظاهرشاهی در تمام دوره  
زمانه داری والا حضرت مرحوم سردار محمد هاشم خان سد را عظم بعضاً  
نوت متن صفحات متعلق عصر سعادت عصر اعلیحضرت غازی محمد قادر شاه شهید  
و عصر درخشان ظاهرشاهی با استناد سا اقامه های کبایل یکبارش یافته است ]

(۵۴)

بحیث وزیر تجارت و وکیل وزارت مالیه و اعطای بعنوان وزیر مالیه  
در رأس این وزارت قرار داشتند.

و قتی که عنوان وزارت تجارت بعنوان وزارت اقتصاد ملی مبدل  
گردید و بنا علی عبدالمجید خان زابلی بنام وزیر اقتصاد شناخته شد  
این وقت میرزا محمد خان یقطنی تنها عهده وزارت مالیه را بر دوش داشتند  
سپس شخصی که درین عصر بنام وزیر مالیه دران مقام برگزیده شد  
میرزا محمد نوروز خان بودند که بعد از طی یک دوره خدمت در تشکیل  
کابینه و الاحضرت غازی سردار شاه محمود خان سپه سالار و صدراعظم  
بحیث وزیر داخله شناخته شده و مدتی بطور مکرر نیز در رأس وزارت  
مالیه قرار داشتند و در تغییر کابینه و الاحضرت اشرف سپه سالار  
میر محمد حیدر خان حسینی زمام اختیار این وزارت را بدست خویش گرفتند  
و بعد از طی دوره های خدمت آنها جناب غلام یحیی خان طریقی بحیث وزیر  
مالیه عزت قرار حاصل کردند و جناب موصوف الی ختم صدارت و الاحضرت  
سردار شاه محمود خان سپه سالار درین وظیفه مهمه ابراز خدمتگزاری بجا  
کردند در آغاز صدارت الاحضرت سردار محمد داود خان صدراعظم افغانستان  
در تشکیل کابینه ایشان عبدالملک عبدالرحیم زوی [وزیر مالیه]  
با این عهده گماشته شدند.

پنج نفر از وزراء و زما مداران محترم معاصر وزارت مالیه که از بدو سلطنت  
الیه حضرت غازی محمد نادر شاه شهید تا دوره درخشان سلطنت ظاهر شاه در امتداد  
تصدی امور مالی و حسابی مملکت وقتاً فوقتاً مصدر خدمات قابل قدری شده اند



میرزا احمد خان یکتا



میرزا احمد ایوب خان



میر محمد حیدر خان حسینی



میرزا محمد نوروز خان



میرزا غلام یحیی خان طرزی

(۵۵)

## توضیح

لفظ اعلی را که در عنوان این اداره قبلاً نسبت کرده بودند سبب آن بود که خود کلمه اعلی و یاد یوان هما یون اعلی حا کیمیت مطلق خود را بر تمام ادارات حکومت عصر ثابت میکرد و چیزی که با احترام شخصیت های متصدیان او در اعصار پیشین می افزود همین که باد اشن این عهد بزرگ از انجام هیچ وظیفه ذکر رو گردان نشده اند و محض نظریات حکومت خویش را تکرار بودند بهر طرف و بهر خدمتی که اعزام میشدند خصوصاً در محاربات آنوقت بدون مسامحه بحیث یک جنرال بزرگ داخل کار زار میکردید و این جنرال ها گاهی بنام سفارت گاهی بعنوان صدارت موقتی بنام استیفاء ممالک زمامی بنام اردو باشی امیر لشکر نائب سالار خدمات مهم عسکری و ملکی را نیز انجام میدادند ولی تأسف بزرگ اینجا است که خلال صفحات تاریخ افغانستان را جنگ نامها احتوا کرده و واقعات خونین در بر گرفته و مؤرخان گذشته بتذکره احوال رجال کشوری و عرفانی مملکت با هر فضیلتی که در گذشته افتد کمتر از شرح زندگی آنان حرف می زنند و اسنادی که از حق خدمت و مسوانب شخصیت هر یک شهادت دهد چه از حیث انقضای ایام و چه در اثبات تقالیب زمان و خصوصاً دست استعماری که در اوایل قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ در مملکت عزیز دراز شد و اوضاع خانه بر انداز داخلی و خارجی افتحارات خاندان هارا که هر بوط و ثائق ذی قیمت و مجموعه آن سرمایه بزرگ

(۵۶)

مفاخر ملی را بار می آورد از بین برد و الحال ادراك سوانح مفصل و هستند  
اشخاص را که شرح آن بحسن خدمات مردان مدبر و افتخار ایامی عصر  
بیفزایند از نظر خدمات سیاسی و عسکری علی العموم و از نظر امور کشوری  
علی الخصوص محال و مشکل میدانیم :

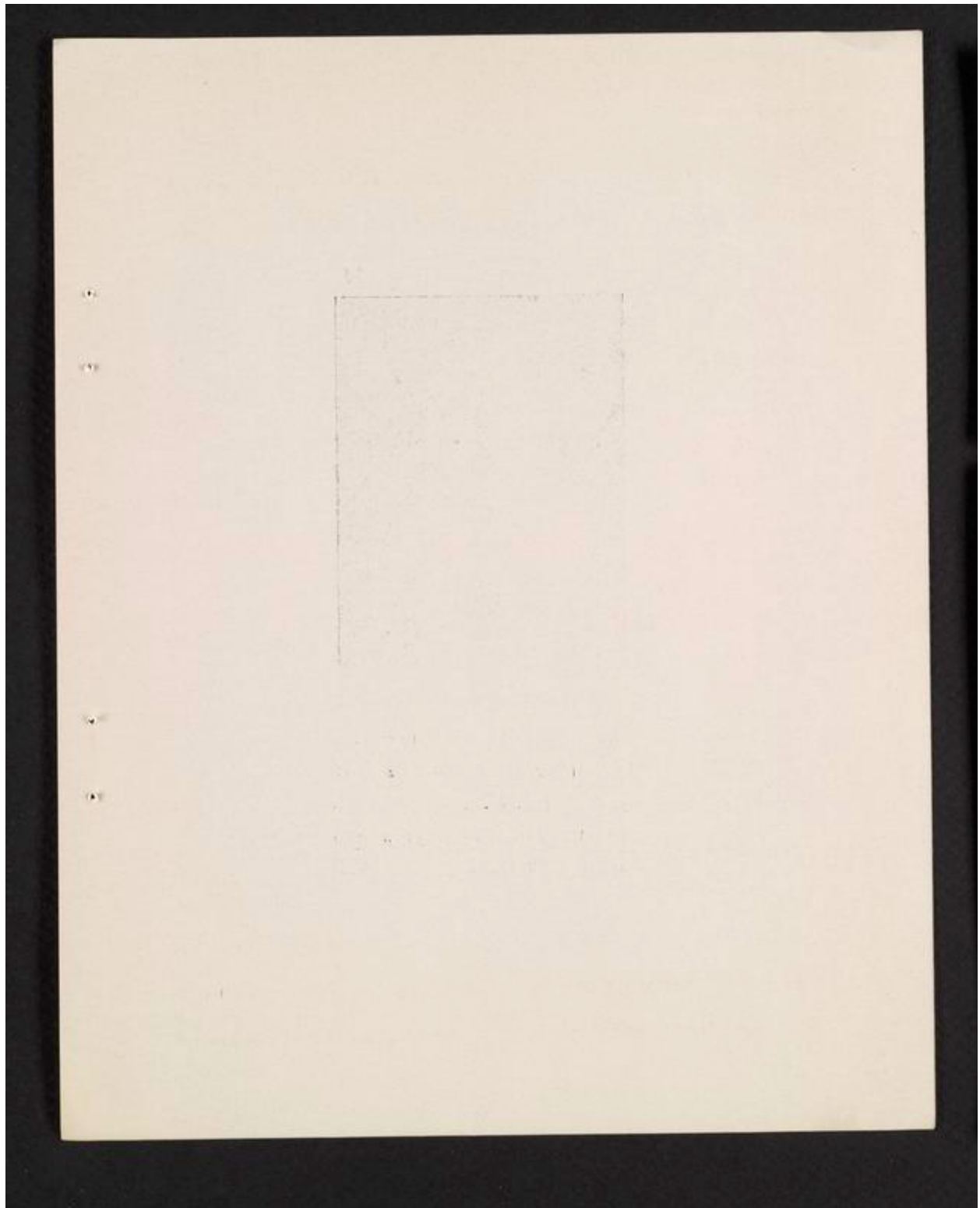
اینوقت اشخاص متبجح و کسانی که در جستجوی اینگونه مملو مات  
از حیث وظیفه و یا از فرط ذوق خود را مکلف میدانند و یا بدینگونه داستانها  
سروکاری دارند مشکلات را خوب حس می کنند.

علت بزرگ تذکره پردازی و یا قص تاریخ نویسی در مملکت ما از  
اینجا است که طبعاً در خود عصر نویسنده از سببی که تسکانش او بهملوهای  
دیگری پیدا نکند به تسکانش تاریخ و تذکره علناً میادرت نه ورزیده  
است و اگر در اخفا چیزی تسکاشته است طوری که در بالا گفتیم تقالیب زمان  
از بین برد و اگر بخواهیم این مفکوره را با دلائلی بیشتر ایضاح کنیم در  
وطن ما چون روح مساعدت و همکاری با همی کمتر وجود دارد و علاوه بر  
بقدر دانی از خدمات رجال سلف تا هنوز بطور یسکه شاید عادت نکرده ایم  
لهذا هر کس یکی از نسخه های قلمی را اگر با خود دارد از حیث عدم مشارکت  
با افتخارات ملی چه از سیردن بمنصه طبع و نشر و چه از تعریف با اشخاص نویسنده  
اهامی و وزند و اقلان کرده نویسنده هم در مملکت ما تا عقد جائز موده در  
مقابل آثار ایشان بعمل نیاورند و یا از طرف حکومت به امری و رسماً موظف  
نکردند در راه افتخارات ملی قدم و قلم کوتاه میدارند.

ازین احاطه بسی کتب خطی و اسناد تاریخی منحصر با اشخاص مفکوره ها



پناغلی عبدالملك عبدالرحيم زى - شخصى  
كه در دوره وزارت ايشان وزارت مالى  
شكل برترى بخودگرفت و اخبار ثروت  
براى بر آوردن مقاصد مالى - اقتصادى  
حقوقى - تربوى مجدداً تأسيس گردید .



(۵۷)

های احساسیون در کلمه‌های پرورد و ملی امید داریم که از اثر نویز  
اذهان عامه وقتی که افتخارات ملی را حق مشترک افراد جامعه دانند آن را  
و افکار جمعیت کارهای بزرگی را که امثال بیشتر اینگونه آرزوهای  
دیرینه و آمال پسندیده باشد بدون تفوق و تعصب بوجود خواهند آورد  
و این غنیمت است که در حال عدم وسایل کافی و یا شرائطی که این مقاصد  
را از و تر انجام دهد در اثر سعی چند نفر محدود چنین تسکانش و تذکره  
های مختصر از برای تحریک و ترویج افکار توده بوجود می‌آید و نقائصی که  
اگر فعلاً در تسکانش بنده و یا سایرین پیدا راست توجه کسانی را که در باره  
اشخاص سلف معلومات بیشتری از حیث قرابت قومی و یا نسبت نواده گی  
داشته باشند و یا باین وظائف اختصاص و علائقی دارند معطوف میدارم شاید  
در اثر کنجداوی ایشان سلسله این مقاله از رساله در گذشته صورت کتابی را  
در تاریخ نوع تحصیل مالیات و طرز دفتر داری ادوار گذشته و تذکره مفصل  
زندگانی خدام نامدار و وفات شعرا افغانستان در بر خواهد گرفت و همچنان مجموعه  
افتخارات ملی را که درین مواقع مساعد جمع آوری شده و میشود در محضر  
استفاده هموطنان و هوا خواهان اغتلاهی وطن تقدیم نمائند و علی‌العجله  
این چند صفحه مختصر را که خالی از سهوا و اشتباه نخواهد بود درین مورد  
محرك فكر خود دانسته از روی همکاری مضامینی نگاشته و بجزیده ثروت  
ارسال دارند تا باشد که بعنوان عمیم حضرت ایزد توانا در اثر غور و تعمق  
مزید اشخاص خیر مضامین زیادی در آینده قریب بوجود آید و به یمن  
همت وزیر هالیه که روح تازه‌ای را در کالبد دوسدوده ساله این وزارت

(۵۸)

میخواهد در آورد و لفظ تاریخی او را به معنی امروزی آرزو دارد در اثر  
فعالیت تطبیق دهد و همچنان نویسنده جوان بناغلی محمد یونس حیران  
که از اثر قلم ایشان جریده زیرمه «ثروت» در وطن اشاعه می باید مسرات  
دگر را از نشر مضامین مفید عرفانی - تاریخی - مالی - اقتصادی با بنای  
مملکت مرده مطالعه می بخشد - و این احقر با گرفتاری زیادی که در مطبعه  
عمومی کابل دارم تا حد قدرت درین باره دریغ نکردم :

عشق می ورزم و امید که این فن شریف  
چون هنرهای دگر موجب حرمان نشود



(۵۹)

## ماخذ و مدارك این رساله

چون مطالع تاریخ متوجه ماخذ اثر منطبع مبیا شد لازم است که بفرمان  
اتکاء خواننده. ماخذ ذیل را بپردازم تا در قسمتی اگر باشتباهی برخورد  
یاصل ماخذ مراجعه فرمایند :

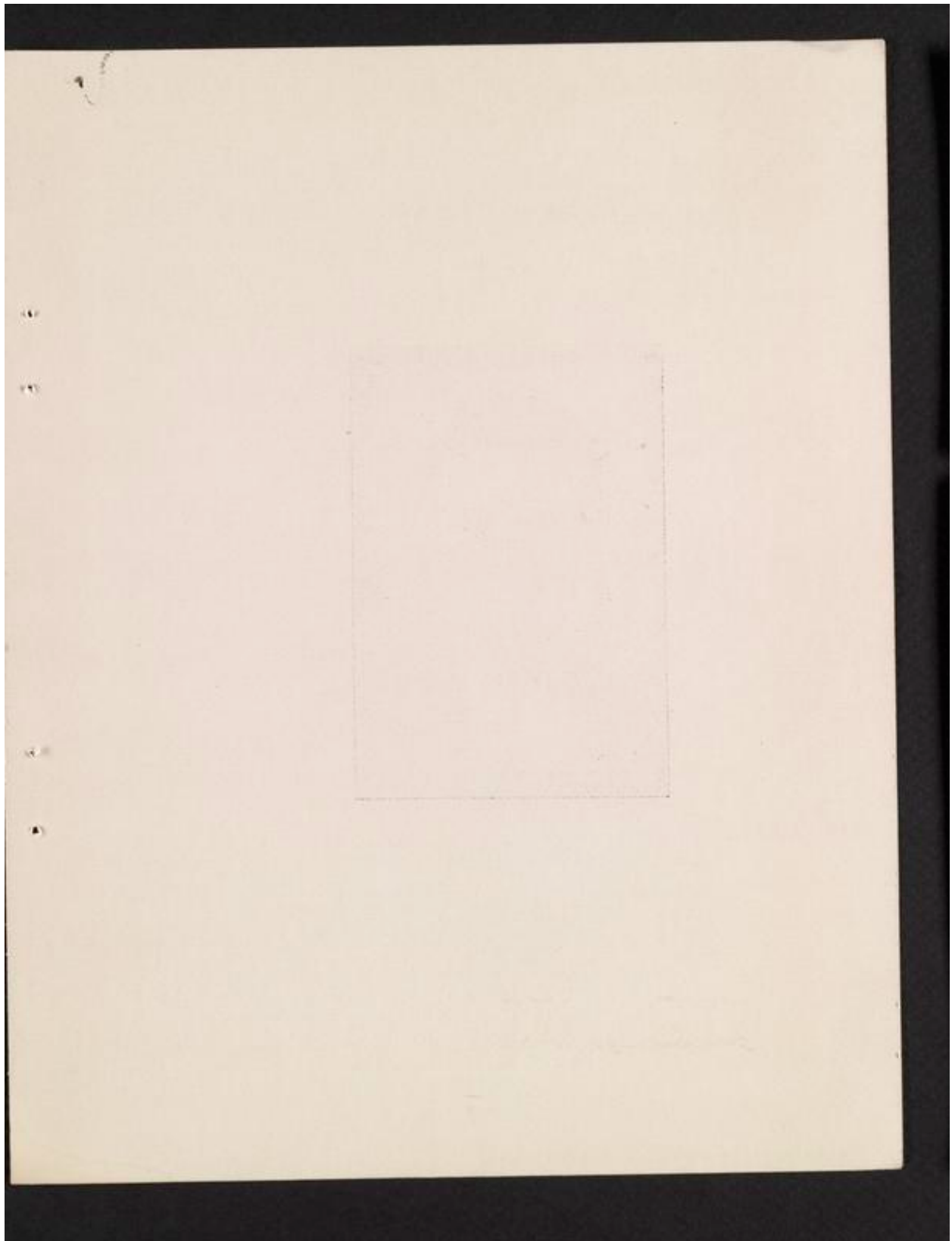
- ۱ : تاریخ ایران اثر سر جان مالکم انگلیس ترجمه میرزا اسمعیل  
حیرت ایرانی.
- ۲ : متمم روضه الصفای قاضی
- ۳ : مجمل التواریخ زنده به - اثر میرزا ابوالحسن.
- ۴ : جلد دوم مطلع الشمس - طبع ایران.
- ۵ : اردو کشی نادر شاه [اشار به هندوستان] اثر کرنیل مکشیشف  
روسی ترجمه و طبع ایران
- ۶ : نادر شاه فرزند شمشیر اثر نور الله لارودی طبع طهران.
- ۷ : تاریخ افغانستان اثر شهزاده علی قلی میرزا نسخه قلمی.
- ۸ : تاریخ احمد شاه درانی اثر منشی عبد الکریم نسخه قلمی .
- ۹ : سیر المتأخیرین اثر طباطبائی طبع هند
- ۱۰ : تاریخ افغانه اثر سید ظهیر الحسن موسوی
- ۱۱ : حیات افغانی اثر دبی محمد حیات خان
- ۱۲ : خورشید جهان اثر شیر محمد خان کندا پوری
- ۱۳ : جوامع التواریخ اثر قاضی فقیر محمد

(۶۰)

- ۱۴ : تاریخ افغانستان - اثر منشی احمد جان
- ۱۵ : تاریخ سلطانی اثر سلطان محمد خان خاص .
- ۱۶ : تاج التواریخ اثر ضیاء المelle والدين امير عبدالرحمن خان ،
- ۱۷ : جلد اول و دوم سراج التواریخ اثر ملا فیض محمد مغل - طبع کابل
- ۱۸ : شماره های سراج الاخبار افغانی -
- ۱۹ : کتاب موسوم به واقعات شاه شجاع - طبع کابل .
- ۲۰ : کتاب موسوم به عروج بار کزائی طبع کابل .
- ۲۱ : احمد شاه بابا اثر میر غلام محمد خان غبار طبع کابل .
- ۲۲ : درزو ایای تاریخ معاصر افغانستان اثر کهزاد - رئیس انجمن تاریخ .
- ۲۳ : کتاب نادر افغان - اثر موای برهان الدین کشککی - طبع کابل
- ۲۴ : کتاب تاریخ تیمور شاه درانی - اثر اینجانب مستند بر اسناد معتبر خطی و نقل کتبیها و اشعار تاریخی .
- ۲۵ : کتاب موسوم به درة الزمان اثر اینجانب [تحت تالیف است و تا هنوز به منصفه طبع و نشر سپرده شده است] .
- ۲۶ : رقعات خطی از عصر اعلیحضرت امیر دوست محمد خان الی عصر سراجیه و اماتیه . [قید مرقع اسناد شخصی نگارنده]

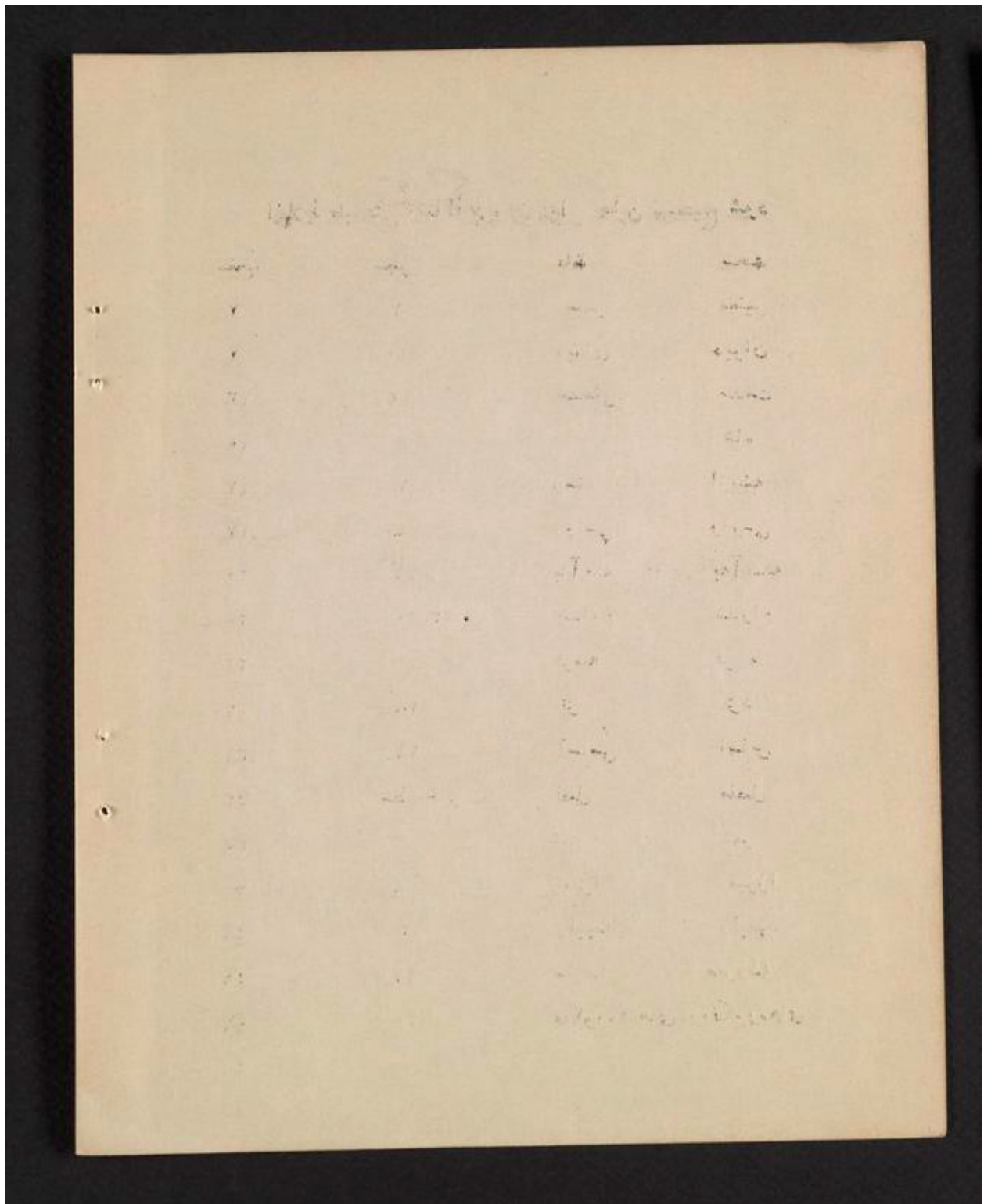


عزيز الدين وكيلي « قونازاني »



## اغلاط طباعتی رساله دیوان اعلیٰ چنین تصحیح شود

| صفحه | سطر      | اغلاط      | صحیح       |
|------|----------|------------|------------|
| ۷    | ۷        | معتبر      | معتبر      |
| ۷    | ۱۰       | دیوای      | دیوان      |
| ۱۳   | ۱۴       | خدمتی      | خدمت       |
| ۱۵   | ۷        | شا         | شاه        |
| ۱۷   | ۷        | زسنه       | ازسنه      |
| ۱۷   | ۱۴       | وراسی      | وارسی      |
| ۲۰   | ۱۶       | با آنکه    | به آنکه    |
| ۲۰   | ۲۳-۲۰    | نقدارم     | نقدارم     |
| ۲۲   | ۱۱       | فرضه       | فرره       |
| ۲۹   | ۱۸       | نز         | نزد        |
| ۳۱   | ۱۴       | اساسی      | اساس       |
| ۳۳   | سطر اخیر | فصل        | مفصل       |
| ۳۵   | ۹        | شیر        | شعر        |
| ۴۰   | ۱۸       | میرزا      | میرزا      |
| ۴۲   | ۱۳       | ولیعهد     | ولیعهد     |
| ۴۹   | ۱۷       | معرضه      | معروضه     |
| ۵۶   | ۲۰       | مفکوره های | مفکوره های |



## تشکر

از الطاف والاحضرت سردار محمد داؤد صدر اعظم که بنده را در راه  
خدمات عرفانی کشور تشویق و تلقین فرموده اند و از التفات بنای علی عبدالملک  
عبدالرحیم زی وزیر مالیه که خواهش مؤلف را در نشر رساله دیوان اعلی  
در اخبار ثروت و هم بصورت رساله علیحده منظور داشته اند عرض شکر آن  
میدارم.

و از معارفتهای معنوی و مساعدتهای اخلاقی ایشان که درین باره مبذول  
داشته اند مجدداً مراتب قدردانی خود را تقدیم میکنم.

مزین الدین

وان آثار نا تدل علیہنا فانظروا بعدنا الی الآخر

از انتشارات جریہ شریعت و ملت مالیات

ہرج اسد ۱۳۳۴ ش

طبع مطبعہ عمومی کابل